

قیام ایران

پهن خسته

راه شیطان!

خورتوجه بسیار است که آن مسافرت هاو دیدارها مانند گویه ای در میان حکومت جمهوری اسلامی قرار گرفته اند. با دیدن اختلاف های عمیق را که در این دستگاره وجود دارد نشان می دهد آن را عمیق تر می سازد.

سیدعلی خامنه ای در مصاحبه ای با مجله آلمانی "اسپیکل" می گوید که برای جمهوری اسلامی فقط یک "نیطن بزرگ" وجود دارد و آن ایالات متحده آمریکا است.

بقیه در صفحه ۲

حسینی اشکان

انگار که ورنجستم!

ملکیت و مردم را درگیر انواع بلیات کرده است حالا از اینطرف چرخیده و می گوید انگار که ورنجستم.

را زکونش های سنپا نی که برای کنسار آمدن جمهوری اسلامی با آمریکا و فرانسه و دیگرانی از کشورها می متحد عرب جریان دارد بقدر کافی آشکار شده است. بعد از آنکه مطبوعات آمریکا به برویای دولت فرانسه سبیدند و فرانسوی ها را متهم کردند که در مسیورک سیاست کاسکارا نه، همپا سوریه و همپا جمهوری اسلامی مشغول داد دوستند و اند، عوام مل اطلاعاتی ایسن طرف هم جریان سفر مخفیانه را برت مک فارلین یکی از متاوران ویژه کاخ سفید را به تهران بر ملا خندند تا آمریکا بیها بختند ا گرفتار برافشای زدوبندهای سنپانی با سدابین ها همراهن را بلدند.

بقیه در صفحه ۱۲

سادرنگ سب

جناح های قدرت:

سندت نا سخنان ها می رفتنجا نی را بنویسد و بداند که وی در باره تحولات تازه ای که در مسیورک سیاست ایالات متحده و جمهوری اسلامی روی داده است، چه می گوید.

تنها این جماعت نبود که کنجکا و نبود بدانند در دیدار یک فارلین، فرستاده ریگان به تهران، چه گذشت است. عباس دوزدوزانی، سمانده تهران در مجلس شورای اسلامی نیز کمترین آژان نگران نبود. نسبی ارها، تا حاکم، به تندروی و مخالفت با سازش با آمریکا شهرت یافته است. به سبب نگران است، برپا رویکرد تازه جمهوری اسلامی به آمریکا نمی تواند بدون سببها در آژان هتک سیاسی در سلسله مراتب قدرت در جمهوری اسلامی باشد.

بقیه در صفحه ۳

زمزمه ها برخاسته که مک فارلین، فرستاده رئیس جمهوری آمریکا، نه یک بار که حسید با ریخته را سفر کرده است، به هر حال چنان که اکنون مقام های ایالات متحده آشکارا گفتند، نخستین سفری در اوائل سال جاری میلادی یعنی حدود ۹ ماه پیش صورت گرفته است.

در خورتوجه اینکه در هر دو کشور صدای مخالفت با این سفرها و دیدارها مدام بلندتر می شود. آژان رویا مدهای دیگر این اقدام آمریکا را "گرفلا" کنسار کنساریم، این نکته در

عسیمی گوید تزوینی می خواست برخی سوار شود. از سبب برست و از آنسو سبقت داد. برخاست و گفت انگار که ورنجستم!

رژیم آیت الله سن از آنکه هفت سال با شعراهای مدغربی و خادنه آفریسنی و آتش افروزی به عنوان "مدورا نقلاب"،

تصمیم سوزیدنت ریگان به تحویل اسلحه به جمهوری اسلامی در سماره های روز یکشنبه ۱۶ نوامبر ۸۶ همچنان می خورد. انتقا دندید روزنا مدهای آمریکا می بود. روزنا به معروف نیویورک تا میز در سفر مقاله ای تحت عنوان: "در کاخ سفید چه چیزی به سنجار نیست" نوشت: "سیاست خارجی دولت ریگان در سرتیب سقوط و هرج و مرج است."

نیویورک تا بعضی از سمردن حسید اشتباه دولت ریگان، می افزایش: بقیه در صفحه ۲

کرده آمدن اسال "حزب الله" در برابر ساحتان سفارتخانه: آمریکا در ۱۳ آبان، یک گروهی می نمود. آن نبود که تا سالی های پیش، سبب سببند و شعاری به هند و ریحی بسوزانند و قطعاً سببهای خود را سببند و سببند. بر گزار می فراسم، اسال در باره جنگ قدرتی بود که جناح ها و شخصیت های رقیب را، تیغ برکف، در برابر یکدیگر قرار داده است.

دامین شمار "مرک بر آمریکا" اگر چه اسال نیز در فضا می بختد، لیکن کیوس های حساس تر از آن میان سببای "مرک بر سنجانی" را نیز می سببند. می سبب نبود که هماعت نظر هر کس در برابر سفارت آمریکا، سبب سبب سبب سبب فراسم، رهسار مجلس شورای اسلامی

معامله با طایفه دزدان

دورویی فضا حت با آفوندهای حاکم که برای حفظ قدرت، در عین تظا هر به خصومت آشتی نا سبب ریگان دولت آمریکا، با توسل به تروریسم و گروکا نگیری، با او به معامله می پردازند و وقتی محسنان با زمی شود، مهملاتی مثل نان شیرینی به شکل کلید و انجیل مهر شده، سرهم می کنند، چیز نی گوئیم، هشت سال تجر سبه روزمره ملت ایران ما را از توصیف حدین ریگاری و وقاحت این سبب دادن بی نیاز می کند.

اما در مورد اظهارات پرزیدنت ریگان راجع به فروش مقداری اسلحه به جمهوری اسلامی با دیده این نکته: دقیق توجه کرد: ملت آمریکا از انتشار خبر معامله با جمهوری اسلامی برای آزادی گروگان های

بقیه در صفحه ۳

متن پیام رادیوئی دکتر شاپور بختیار، رهبر نهضت مقاومت ملی ایران، خطاب به ملت ایران، در باره معامله اسلحه جمهوری اسلامی با دولت آمریکا در برابر آزادی گروگان های آمریکا می، در شماره آینده به نظر خوانندگان گرامی خواهد رسید.

عذر گناه

"سرفسری هو" وزیر امور خارجه انگلستان روز جمعه ۱۴ نوامبر در برابر مجلس عوام انگلیس بدون اسنکه سربجا از دولت آمریکا نام ببردهر نوع معامله ای را با گروکا نگیرها محکوم کرد و سوزیسون کا رگدر مجلس عوام اظهارات او را بیسوان یک "اسفاسگری بحق تحویل اسلحه آمریکا می به جمهوری اسلامی" مورد تایید و تحسن قرار داد.

روزنامه آلمانی "بیلد ساینوک" سبر اساس اظهارات یکی از وزیران کابینه آلمان سوست که آژانای هلموت کهل صدر اعظم و هانس دیترس کنسر، وزیر امور خارجه آلمان فدرال گفتگو و معامله اسلحه با جمهوری اسلامی را محکوم می کنند.

بقیه در صفحه ۳

مفاخر رژیم

در صفحه ۲

مذاکرات پنهانی سردمداران حکومت آخوندی با مقامات آمریکا می و اظهارات اخیر رئیس جمهوری آمریکا، موجی از خشم و عیبیان در سراسر جهان، بخصوص در افکار عمومی آمریکا نشان از یک طرفدو هموطنان ما از طرف دیگر وجود آورده است. ما در باره

دشمن چوئی

مرگ در راه آزادی

کدام را با بدیا و رکرد - سوکنده مسئولان دولت آمریکا را که به هیچ روی با تروریست ها مذاکره نخواهند کرد، یا گفتگوهای محرمانه ای را که از یک سال پیش، بنا به شایعه ها و خیسرها، بسا نمایندگان جمهوری اسلامی صورت گرفته است؟ آیا آمریکا ریگان دا و در همان دامی می افتد - یا هم اکنون دیگر افتاده است - که آمریکا می کا سرتدر آن افتاده بود؟ آیا تروریست ها می که در سال ۱۳۵۸ از دیوا و سفارت آمریکا بالا رفتند، دیلمات های آمریکا می را با چشم ها و دست های بسته به گروگان گرفتند و آن رسوائی را با آوردند، اکنون بدهای سربو می شده اند؟ آن کا طرحوس لگدن جمهوری اسلامی خمینی، اینک آیا مرکب را هواری شده است که می توان به دلخواه از آن سواری گرفت؟ این را چگونه می توان توضیح داد که ایالات متحده، نه یک بار که بارها، اعلام داشته است که جنگ خلیج فارس با بدیا بیان ساید، اما در عین حال به آن طرف جنگ که زیر بار مذاکره صلح با آتشش بس نمی رود، اسلحه می رساند؟ کدا میک بقیه در صفحه ۲

دوران آشفتنگی انقلابی

هر انقلابی دارای دوره ممتد از یکدیگر است، یکی دوره ای که تیروهای انقلابی، سوار بر موج خیسران فیلام همگانی، آهنگ تسخر قدرت سیاسی را می کنند و نظام پسیس را به هم می ریزند، و دیگر دوره ای که آنان می کوسند نظام تازه ای را جاسین نظام کهن گردانند. انقلاب اسلامی نیز از این فاعده برکنار نیست.

بقیه در صفحه ۴

قاطر چموش

مرکب را هوار شده است؟

بقیه از صفحه ۱

درست است؛ راهی دادگاه‌های آمریکا که به موجب آن سواگران اسلحه قاچاق به جمهوری اسلامی به زندان و جریمه محکوم شده‌اند، با خبرها و شایعه‌ها مبنی بر اینکه سلاح‌های آمریکایی به میانجیگری اسرائیل برای جمهوری اسلامی فرستاده شده است؟ آیا راه‌های دوسه‌گروگان آمریکایی از جنگ حزب‌الله یا جهاد اسلامی در لبنان، با بدعا کستر فراموشی بر مرکب ۲۵۰ تنگدا درباری آمریکادار لبنان بیاید که در انفجار ترارگا هسان در زیرخرواها خاک‌جان سردند؟

همه‌گزارش‌ها و برآورد‌ها حکایت از آن دارد که افکار عمومی آمریکا نسبت به هر آنچه نشانی از آیت‌الله و تروریسم و کروگان‌نگیری دارد، بسیار حساس است. ولی کمتر گزارشی در این باره منتشر یافته است که افکار عمومی ایران تا چه اندازه نسبت به این گونه‌گزارش‌ها حساسیت دارد. و حقیقت این است که حساسیت مردم ایران در این باره به هیچ روی کمتر از حساسیت مردم آمریکا نیست.

آیت‌الله، تروریسم و کروگان‌نگیری، بی‌آن که نزدیک شش سال از آزادی گروگانهای آمریکا در تهران می‌گذرد، همچنان مانند کابوسی بر ذهن آمریکا نیسان سنگینی می‌کند. هر یک از این سه واژه - آیت‌الله، تروریسم، کروگان‌نگیری - دوواژه دیگری تداعی می‌کنند و نقش آن‌ها را بر ذهن‌ها حک می‌کند.

ملت ایران، از این رسوایی‌ای که در خاک او و بار آمده، هوار در برابر جهان نیان، خاصه آمریکا شام، احساس شرم می‌کرد، ولی مگر کسانه داغ‌تراز آش هم می‌توانند؟ می‌توان نقش‌داسته مهربان ترا ز ما در آساز کرد؟

اگر گزارش‌ها و خبرها دربارۀ تحولات اخیر در میان آمریکا و جمهوری اسلامی درست باشد که هست، پس مردم آسان‌حق دارند از حیث اخلاقی بر آشوب‌دهنده و زحیف سیاسی براشتیا بزرگ دولت کنونی ایالات متحده اسف بخورند.

بدترین تاکتیک

بقیه از صفحه ۱

"هیچ رئیس‌جمهوری نمی‌تواند کلاً از عیاره در امان باشد ولی این او خوبا شیوه‌های غلطی در سیاست خارجی است که نمی‌توانیم در سارۀ دنگ نکنیم. دست به نوبت خود

متحد، ملیب سرح و غنوبین المللی، کافی است تا حدتجا و رژیم کنونی ایران به ابتدائی ترین حقوق بشر معین گردد.

هیچ رژیمی در جهان وجود ندارد که بتوان بی اعتنائی و تنجا و آن را به حقوق بشر با رژیم‌تهران مقایسه کرد. در رژیم‌های دیگری نیز به حقوق بشر تنجا و زمی شود، ولی رژیم‌تهران نه تنها مدام به حقوق بشر تنجا و زمی کند، بلکه زاس منکر

حتمین حقوقی نیز هست و می‌خواهد با صلاح حقوق بشر اسلامی خود را جانشین آن سازد. با این همه اگر سندا شده شود که لنگر اخلاق نیاید مانع حرکت کشتی سیاست نباشد، ضروری است که به اشتباه سیاسی کارتر تاء کید گردد. رژیم تهران، بر حسب ذات و ماهیت، رژیمی نیست که بتوان با آن قول و قوا را سیاسی در خورا اقتصادی گذاشت. ساده‌ترین و درعین حال قانع‌کننده‌ترین دلیلش این است که هیچ معلوم نیست در آنجا ما حیفا نه کیست، بنی مدرو قطب‌زاده به عنوان طرف‌های مذاکره در باب گروگان‌های آمریکایی در تهران، امروز دیگر در صحنه نیستند، ولی کسانیکه جای آن‌ها را گرفته‌اند، به همان اندازه بی‌اختیارند که بنی مدرو قطب‌زاده بودند. هیچ کس نیست که بتواند به نام خمینی سخن بگوید. او امروز نیز مانند سال ۱۳۵۷ درباری، سخنگو ندارد.

این شگردی است که وی همچنان بکسار می‌برد تا بتواند هر وقت که خواست، زیر هر قولی بزند که افرا نیانش داده‌اند. از بسا مدهای داخلی تحولات اخیر را که بگذریم، تاء شرمینی آن برسیا سست آمریکا در منطقه نیز در خور توجه است. سیاست آمریکا در منطقه‌دارای نقطه‌ضعف مزمنی است به نام همیما نیی استراتژیک آن با اسرائیل. ولی به هر حال این باری است که آمریکا نمی‌تواند از آن شانه خالی کند. عرب، انگراز همیما نیی استراتژیک آمریکا - اسرائیل ناخرسید بودند، دست‌کم می‌توانستند در به این خوش‌کننده‌ها آمریکا با رژیم‌تهران ما درکننده، تروریسم و دارنده، طمع به خاک آن‌ها، سرازگاری نخواهد داشت. سس آن می‌رود که آمریکا این امتیاز را از دست بدهد، بی‌آن که به ازای این خسران جز هسنگی بدست آورد.

می‌نویسد: "نتیجه‌ای که تا حال از این ماجرا بدست آمده یک مصیبت سیاسی است که خودداری رئیس‌جمهوری از آقراریه اشتبا هس اثر آن را چندینا بر می‌کند. این روزها می‌افزاید که: "آقای ریگان سادادن توضعها نی ناقص و غیرقابل قبول بدترین تاکتیک را انتخاب کرده است. ترجیح داشت که در کمال صداقت اعتراف می‌کرد که در درجه اول بخاطر سرنوشت گروگان‌ها دست به این عمل زده است."

راه شیطان!

بقیه از صفحه ۱

حال آنکه جمهوری اسلامی اصلاً با ابر قدرت دیگر، یعنی اتحاد شوروی، مسئله‌ای ندارد. خامنه‌ای آبا فراموش کرده است که هر سوا انقلاب اسلامی بارها گفت که "انگلیس بدتر از آمریکا و شوروی بدتر از هر دو"؟ اما اگر حافظه رئیس‌جمهوری اسلامی در اثر گوناگونی مسئله اندکی دچار نقصان شده است، بهیچ‌دلی می‌آوریم سخنان آیت‌الله منتظری را در روز سه‌شنبه ۱۲ آبان امسال، که به اساتید و طلاب حوزه علمیه تمجین گفت: "اینکه ما می‌گوئیم مرگ بر آمریکا یعنی مرگ بر استعمار و ظلم و ستم. وقتی بسه اینجا رسیدن شوروی هم همین طور است. شوروی جنایتکاری بدتر از آمریکا است و در افنا نشانی چه می‌کند. هر روز مردم بیچاره را بسا ران کرده به شهسادات می‌رساند. رها هم نمی‌کند، استعمار شوروی بهتر از استعمار آمریکا نبوده است. اینکه این حسابها هم...

می‌شنیدند و به اصطلاح دربارۀ خلق سلاح صحبت می‌کنند، دروغ است. آن‌ها دربارۀ آرزوین بردن اسلام اتفاق می‌کنند. کمان می‌کنیم همین نقل قول آیت‌الله منتظری کافی با شد تا رئیس‌جمهوری اسلامی بفهمد که آیا سخنان ندان شکن چه معنائی دارد.

منتظری، حتماً "اشاره به یازدها شست نزدیکان خود دارد که برای آن روزها می‌خورد که دشمنان امروز، دیروز دوستانی در کنکنا ریگد بگردند. وی می‌گوید حال که دیگر از وحدت در جمهوری اسلامی خبری نیست، دست‌کم در برقراری بنا سیاست با دیگر کشورها وظایف باشد که پیش از این به اسامی جمهوری اسلامی لطمه‌ای وارد نیاید. به سخنان خود می‌توجه کنیم: "نه شرقی نه غربی بهترین شعار است، به شرط آن که از عمیق دل و در عمل باشد... اگر بنا با خدمت‌ملاط اقتصاد می‌مقدمه، نفوذ ابر قدرت‌ها گردد، ملت حاضر است گرسنگی بخورد. ولی زیر بار نرود.

باید به ولی فقیه تفکر کرد که ملت هم اکنون دارد گرسنگی می‌خورد. گرسنگی خوردن ملت ربطی به نام رژیم اسلامی یا آمریکا ندارد. بلکه زسی کفایتی رژیم است.

با این همه تناس با آمریکا، بخشی از هسات خاک رژیم راستند نگساران کرده‌است. به هر حال دیرباز زد کسسان و گروه‌های از درون هس با خاکم در این راه قربانی خواهند شد. تصادفی نیست که حجت‌الاسلام محمد موسوی خوشبینی‌ها احساس وحشت کرده‌می‌گوید: نباید به هیچ نیرویی، با هر گمنشی، اجازه بدهیم نقطه کور ورود آمریکا باشد. این نام روشن تر و صریح تر از آن است که حجت‌الاسلام علی اکبر رفسنجانی می‌گوید:

بتوانند آن را نشنیده بگیرد. خوشبینی‌ها که خود را کارسنا س ورود شیطان به قلب آدم‌های مومن نشان داده است، می‌گویند: مقررند انسان خدا را عبادت کند و اسیر و سوسه‌های شیطان نشود. اما سوسه‌ها در جهنم افتاد، وی می‌افزاید: "طبیعی است وقتی شما این بیجان را زیر سوا گذاشتید، عاقبت و پیمان کار این خسران عظیم، جهنم است.

حجت‌الاسلام خوشبینی‌ها شرح می‌دهد که: "شیطان از راه‌های بسیارنا مرثی وارد می‌شود که انسان متوجه نیست... عوام مل شیطان به یک ملت در حال انقلاب از ابتدا پیشنها دشمنی کند که دست‌ازا نطلب بردارید... از نقطه‌های کور وارد می‌شود... آمریکا هیچ وقت نمی‌آید به ملت ایران پیشنها دهد که بسا شهید ولایت فتیه و حکومت اسلامی را رها کند... ولی آدم مومن می‌فهمد که راه نفع‌امساره راه شیطان کدام است..."

ترجمه: این اشارات در ارتباط با میا ننداری اخیر رفسنجانی این است که: آقای رفسنجانی، شما را مستقیماً به وا شنگتن دعوت نمی‌کنند، یک سفیر آب و تاب به‌ژاپن برایتان ترتیب می‌دهند، با رسانی به حضور امپراتور را به شما روا می‌دارند و آن وقت که فارلین را بیوا شکی به تهران می‌فرستند.

خوشبینی‌ها تمثیل شیطان و مومن را بی کمان برای رابطه آمریکا با رفسنجانی بکار برده‌است. جرم این گنا به سه زعم خوشبینی‌ها سوختن رفسنجانی به آتش جهنم است. بدین ترتیب باید منتظر بسود و دید خوشبینی‌ها زودتر رفسنجانی را به عقوبت الهی دجا خواهد دادا خست یا رفسنجانی خوشبینی‌ها را، هر چه پیش‌آید، خمینی احتمالاً بسا از برای حکم قضاوت نهائی خود را خواهد کرد.

همسایه عزیز!

فرور تلخ حشری سست معاوت ملی ایران را ساعت ۱۱ صبح سارا در حرمان آرس حرصای ایران و جهان عباد می‌دهد. سارۀ تلخ:

۸۵-۸۵-۳۶-۴۳-۲۳

مذاکرات محرمانه

جان پوینت، دکستر، مشا ورا منیتسی رونا لدریگان بوده است. نشریه انگلیسی آبرور بدون ذکر تعداد این سلاح‌ها، می‌نویسد: محموله‌ای آمریکایی از طریق بندر ایلات واقع در اسرائیل به بندر عباس حمل شد و ۴۸ ساعت بعد، بهائی‌ای این سلاح‌ها از طریق بانکی در سوئیس برداخت گردید.

از سوی دیگر نشریه‌ای انگلیسی میل آن ساندی، نیز در شماره‌ای اخیر خود فاش کرد که رژیم جمهوری اسلامی از طریق عدنان قاشقی با شرکت سس در وور انگلستان وارد مذاکره شده‌است. ۳۰۰۰ اتوموبیل جیب‌به‌رزش ۲۷ میلیون لیره‌ای انگلیسی خریداری کند. این مذاکرات می‌بایست به یک قرار داد دوم شامل تحویل ۱۷۰۰۰ اتوموبیل جیب‌دیگر به جمهوری اسلامی بیانجامد. اما سخنگوی وزارت خارجه انگلیس، اعلام کرد که سیاست انگلستان تغییر نیکرده است و لندن به هیچ یک از طرفین جنگ خلیج فارس اسلحه نخواهد فروخت.

هفته‌نامه آبرور و جاب لندن در شماره‌ای ۱۶ نوامبر به نقل از منابع اسرائیلی نوشت: آمریکا مذاکرات مربوط به تحویل اسلحه به جمهوری اسلامی در آزادی گروگان‌های آمریکایی در لبنان را، از طریق یک نا جرسووی و یک مقام عالی رتبه‌ای اسرائیلی، طی جلسه‌ای محرمانه که در ۱۹ فروردین ماه سال جاری در لندن برگزار شد انجام داده است.

به‌نوشته‌ای آبرور، طی این جلسه قرار شد آمریکا سلاح‌های ضدتانک، حوشک‌های سا بدوا بندر، موشک‌های فدهوایی‌ها و ک و قطعات تیدکی هلیکوپت‌سرو و هواپیما‌های نکاری اف-۱۴ و اف-۴ به جمهوری اسلامی تحویل دهد. آبرور می‌نویسد: شرکت کنندگان در این جلسه عبارت بودند از: امیسرام نیر مشا ورمخصوصی سیمون مرزخسخت وزیر سابق اسرائیل در امور تروریستی، منوچهر قربانی فر مشا ورا منیتسی میسر حسین موسوی نخست‌وزیر جمهوری اسلامی، عدنان قاشقی، مردنروتمسند عربستان سعودی و واسطه‌ای این مذاکرات طرف آمریکا بی این قرار داد، دربار دار

معامله با طایفه دزدان

بقیه از صفحه ۱

آمریکایی - با خاطره تلخ کسی که از گروگانگیری سفارت آمریکا در تهران دارد - بیش از حد آشفته و خشمگین است. ما حینظرا ن سیاسی بر این نظرنند که برزیدنت ریگان تنها به منظور آرام کردن افکار عمومی است که به این ماجرا جنبه سیاسی داده و می گوید که قصد آمریکا از افتتاح با بگفتگو و تحویل بعضی سلاحها به جمهوری اسلامی، ایجاد رابطه، با هدف جلوگیری از تسلط شوروی و کمونیسم بر ایران بوده است. ما این نظرا کا بلا قیاسل قبول می دانیم. زیرا دولتسران آمریکا هنوز ظاهرا اشتباهی را که در کودتای ۲۸ مرداد ۳۲، به تلفیق دیگران و سه انگیزه جلوگیری از تسلط کمونیسم در ایران، مرتکب شده فراموش نکرده اند و اعتقاد داریم که حکومت کنونی آمریکا و شخص برزیدنت ریگان، بر اساس تجربه اشتباهات مکرر دیگر در نیم قرن اخیر، بخوبی دریا فتنه ندکه فروقا قسد و فساد و اختناق، مناسبترین محیط را برای پرورش ورشد کمونیسم به وجود می آورد. وگرایش سیاست خارجی آمریکا در سالهای اخیر، به سوی عدم حمایت از رژیمهای خودکام موفاسد، مثل رژیم سابق فیلیپین و حکومت های ژنرال ها در آمریکا لاتین رحتی کمک به استقرار دموکراسی در این کشورها، نا هدیاز این واقعیت است. اگر دولت آمریکا، امروز بناچار بر سر ای آزادی اشباع اسپر خود، با حکومت آخوندها با مذاکره را با زکرده، مسلما از این واقعیت غافل نیست که داد مسه حیات رژیم که با به های قدرتش بر اختناق و سرکوبی بعنوان وسیله حکومت کردن، قرار دارد و برنا مسه اعلام شده اش صدورا انقلاب از طریق توسعه جنگ و تروریسم است، نه تنها در کوتاه مدت امنیت و بیات این منطقه، خاص جها ن را برهم می زند، بلکه در نهایت امر با نثار ناراحتی روز افزون ملتی که به سرحد استیصال رسیده است، راه نفوذ کمونیسم را هموار خواهد کرد. اما بهرحال این تلافی بظا هر مشروع برای نجات گروگان ها از طریق تن در دادن به باج خواهی تروریست ها اشتباه عظیمی است که زمینه را برای حدوث مصیبت های بزرگ تری آماده می کند. تسلیم شدن به شان تا ز تروریست ها رسمیت دادن به گروگان گیری و باج خواهی به عنوان یک شیوه جدید در حل و فصل مسائل بین المللی است و نتیجه منطقی آن این خواهد بود که دیگر هیچ آمریکایی هیچ فرانسوی و خلاصه هیچ فردی از دنیای

متدمن در هیچ نقطه دنیا امنیت نداشته باشد. ما، همانطور که گفتیم، تحویل اسلحه از جانب آمریکا به جمهوری اسلامی را دقیقا بهای آزادی گروگان های آمریکایی می دانیم نه بیشتر، ولی حتی اگر، به فرض محال، جزاین هم با شدیدترین دریم که چنین بدهبستان های را راه داده، راسخ ملت ایران بر مبارزه تا براندازی این حکومت سیاه، با هر حکومتی که بعنوان حکومت مذهبی جا نشین آن شود، کوچکترین خطی وارد نخواهد ساخت. در سال های اخیر دنیا شا هلسقوط رژیمها نبی بوده است که هر چند بر خورد را زحما نیست بی دریغ قدرت های خارجی و بهره مند از تجهیزات سلاح ها بودند، از آنجا که با یگا مردمی ندا شدند نتوانستند موجودیت خود را در برابر جنبش های حق طلبانه ملت ها ن حفظ کنند و ملت ایران به حکم تجربه شخصی این واقعیت را بسیار خوب می داند. ما به هموطنان خود اطمینان می دهیم که نه آمریکا و نه هیچ دولت مسئول دیگری در دنیا - حتی دولت های سوداگری که به طمع منافع مادی آنی با جمهوری اسلامی معامله می کنند در باره رژیم خمینی جا نشینان احتیالی آن توهمی در بر ندارد. نهضت مقاومت ملی ایران به نمایندگی از طرف مردم وطن دوست و سرپانده ایران، به هر مناسبتی که پیش آمده، به دنیا یادآوری کرده است که گذشته از خطری که از جانب جمهوری اسلامی متوجه ثبات منطقه و صلح و امنیت جهانی است، ملت ایران رژیمی را که بنا بر کارش بر تحقیر شخصیت انسان و تحمیل قوا عدو آداب و رسوم کهنه و گاملا بیگانه با هویت ملی اوست و موجب شده است که با فرهنگ و تمدنی چند هزار ساله، در انظار جها ن متدمن بعنوان قومی وحشی و تروریست معرفی شود، تحمل نمی کند و قاطعا نه مصمم است که این حکومت و تحفه های مصیبت بارش را، که جز جنگ و ویرانی و قحطی و ناامنی نبوده است، برای همیشه به خاک بسپارد و در این مسیر تنها دوستی و محبتی که از قدرت های بزرگ توقع دارد است که در کنارش دخالت نکنند و بگذارند خود بر سر نوبت خویش را تعیین کند و مطمئن باش که اگر ایرانی به آن حد از شدت و نفهم سیاسی رسیده است که به هر نوع اپیدئولوژی افراطی از چپ و راست، دست برد می زند.

گروگان ها، مجلس آمریکا را از این موضوع باخبر نکنند. به گذشته می نام های عالیرتبه ای آمریکایی، رئیس جمهور آمریکا می تواند دست به عملیات مخفیانه بزند و آنکه مجلس آمریکا را در جریان آن قرار دهد، اما هم اکنون همین امر مورد حمله نمایندگان مجلس آمریکا قرار گرفته است. در همین رابطه معاون کمیسور اطلاعاتی مجلس سنای آمریکا روز ۱۶ نوامبر گفت: دولت رونالد ریگان طی مذاکرات مخفیانه خود با رژیم جمهوری اسلامی ممکن است قوانین آمریکا را نقض کرده باشد. به نوشته نشریه دی ولت به نقل از منابع دولتی آلمان غربی، سلاح های آمریکا بی که در طول چند ماه اخیر به جمهوری اسلامی تحویل داده شده به مبلغ یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار بالغ می شود. در میان این سلاحها، ۷۰ هلیکوپتر و تعداد زیادی موشک فدا ناک وجود دارد. نشریه محافظه کار دی ولت که به دولت هلموت کهل نزدیک است، بدون ذکر جزئیات می نویسد که آمریکا تحویل اسلحه را از طریق کشورهای آسیای ناهم داده است.



شگردهای سیاسی

میان گفتار و کردار راهل سیاست همیشه کودالی وجود داشته است. تالیان این را به شیوه ای بیان کرده است که جایی شبهه ای باقی نمی گذارد، می گوید: " کلام برای پوشاندن مقصود است نه برای ادای آن ". همین جمله را زانوار استثنائی است که تالیان از کلام برای پوشاندن مقصود استفاده نکرده، برای ادای آن استفاده کرد. پوشاندن مقصود، دست خود را رونگردن، دست حریت را خواندن و او را به اشتباه افکندن فقط شگردهای جنگی نیست، شگردهای سیاسی نیز هست. با این همه برای تیرنگ ها و ترفندها با بحدی قائل شدتا به اصول لطمه نزنند. فقط اعتقاد به اصول است که می تواند در سیاست و جنگ بکار بستن ترفندهای را که از احکام اخلاقی برمی آید، مجاز جلوه دهد. مغرب زمین مدت ها است که عدم مذاکره با تروریست ها یا دولت های حامی آن ها را

به عنوان اصل، پذیرفته است، زیرا این را در خدمت اصل مبارزه با تروریسم می دانند. می گوید تروریسم، کسمه آدم ریائی نسیبغشی از آن است، با پداز مناسبات بین المللی رخت برینندد. می گوید اگر با تروریست ها یا دولت های که از آن ها حمایت می کنند، مذاکره شود، نه تنها این عارضه بیمارگونه از فضای مناسبات بین المللی نخواهد رفت، بلکه خود را با شدت و دام منتهای بیشتر بر آن تحمیل خواهد کرد. مغرب زمین این ها را می گوید، اسن گفتار اوست، ولی کرداری جز این دارد. مذاکره با تروریست سابقه ای بسه قدمت خود تروریسم دارد، نه تنها با تروریست ها مذاکره شده، بلکه بدانها احتیاز های نیز از آنی گردیده است. فرانسه، آمریکا، انگلستان، اسرائیل - هملاف مبارزه با تروریسم و عدم مذاکره

بقیه در صفحه ۱۱

جناح های قدرت:

دست به گریبان، تیغ برف

بقیه از صفحه ۱

دوروزی، سن از آنکه از آنجای ابراز نگرانی انقلابی اسلامی از اصول، ابراز نگرانی می کند، می گوید: "ولوا اینکه جان امثال من در گرو این مطالب باشد، ... از برخی آید و شده، بد را و گفتگوها منتفی در برده های سیاسی - نگرانی، " او در باره علت نگرانی خویش پیش از این چیزی نمی گوید، اما علاقمندان را به بیابانهای حوالت می دهد که از سوی دفتر تحکیم وحدت، انجمن های اسلامی دانشگاهها، انتشار یافته و روزنامه کیهان (جانبشیران، مورخ ۸ آبان) چاپ شده است. "دفتر تحکیم وحدت... که به معنای همان "دانشجویان خط امام" است که با اشغال سفارت آمریکا نام خود را سررزیان ها انداخته اند، در آن بیانید از جمله می گوید که اگر چه مناسبات میان جمهوری اسلامی و ایالات متحد، ظاهرا برقرار نیست، ولی به ما نچی گوی آلان فدرال، انگلستان، فرانسه و این - که از همه مهمتر آن آمریکا هستند، رابطه ای با کلیت امپریالسم غرب برقرار است. "دفتر تحکیم وحدت"، هنگامی که این علامه را انتشار داد که هنوز از جای دیدار محرمانه، مک فالین از تهران پورده برداشته نشده بود، ولی در فاصله انتشار آن بیانیه و برگذاری مراسم در برابر سفارت آمریکا، یعنی در عرض پنج روز، خیر آن دیدار، دیگر در سراسر جهان پیچیده بود. در نتیجه قطعنامه ای که "دفتر تحکیم وحدت" به مناسبت برگذار سالروز گروگانگیری انتشار داد، اشاره ای صریح تریه تلاش های رفسنجائی برای راهگشائی به سوی آمریکا داشت. در ماده دوم این قطعنامه آمده است: "ما اعتقاد داریم که تحقق اهداف انقلاب در گرو نبرد با آمریکا است... آمریکا در صدد آن است که با شناخت نقاط ضعف موجود... راه نفع و منافع جدیدی بیابد... با برخواستن می دانیم در مقابل ترفندهای جدید و راه های نفوذ آمریکا که با... تکیه بر سایکا ده های داخلی و به طور بینالمللی اعمال می شود، استناد نمی کنیم. این قطعنامه جای هیچ اشکالی باقی نمی گذارد که آمریکا از مدت ها پیش آهنگ یک راهگشائی تازه در روی دستگاه قدرت جمهوری اسلامی را کرده است، از کجا

و چگونه او ردمی شود؟ " دفتر تحکیم وحدت، بی آنکه نای از کسی ببرد، فقط می گوید: "ما ز نقاط ضعف موجود، با تکیه بر این یگا های داخلی و بینالمللی، بنهائی". نقطه ضعف موجود چیست؟ کم آوردن جمهوری اسلامی در جنگ از جمله به علت نداشتن وسایل پدکی و غیره، با یگا ده های داخلی آن کدا مند؟ بی آنکه کسی چیزی گفته باشد، رفسنجائی نگاه را بر خود دوخته می بیند. شیوه مذاکرات چه بوده است؟ بینجائی، و به همین سبب است که رفسنجائی همه چیز می گوید، مگر آن که در گفتگوها فرستادگان آمریکا حده گذشته و از جه سخن رفتا است. رفسنجائی با بدخوب بداند که هشت سال تبلیغات رژیم اسلامی، محیط را به هیچ روی حتی برای مذاکره ای جدی با آمریکا مساعد نگردیده است. در وجود آوردن موج تبلیغات ضد آمریکا می "عناصر جدا از مذهبی گرفته تا غیر مذهبی و ضد مذهبی - دخالت موشردا شده اند و دارند. زما مداران اسلامی از این موج برای بیرون راندن رقیبای خود، زمین همواره استفاده کرده اند، ولی اکنون که خود ناگزیر شده اند، شیوه ای به سوی آمریکا کشیدند، با بدنگران با سند از اینکه ما دا آن موج به سوی خودشان برگردد. سخنان برخی نمایندگان مجلس از یک سو و بیابانیه و قطعنامه "دفتر تحکیم وحدت" از سوی دیگر هشدارهایی به افسانده، کافی جدی هستند که رفسنجائی و حتی خمینی را سیمناک کنند. خمینی البته، مانند همیشه در چنین مواردی، فعلا خود را کنار کشیده است و نظاره می کند. زیرا با ب مناسبات با آمریکا را کشودن و در عین حال از حمایت عناصر تندرو در درون رژیم برخوردار بودن، منطقی نیست که رفسنجائی بتواند آن را با شوخی های بی مزه حل کند. رفسنجائی و خامنه ای می گویند آمریکا به در بوزگی افتاده است، ولی اگر چنین بود، عناصر تندرو مسلما "ناراحت نمی شدند، آنان معنی درست در بوزگی را هم گریه نند، اسن را به چشم می بینند که دست کدا م کسی برای گرفتن اسلحه و کیک انتقادی بسد سوی کدا مکن در ارسده است.

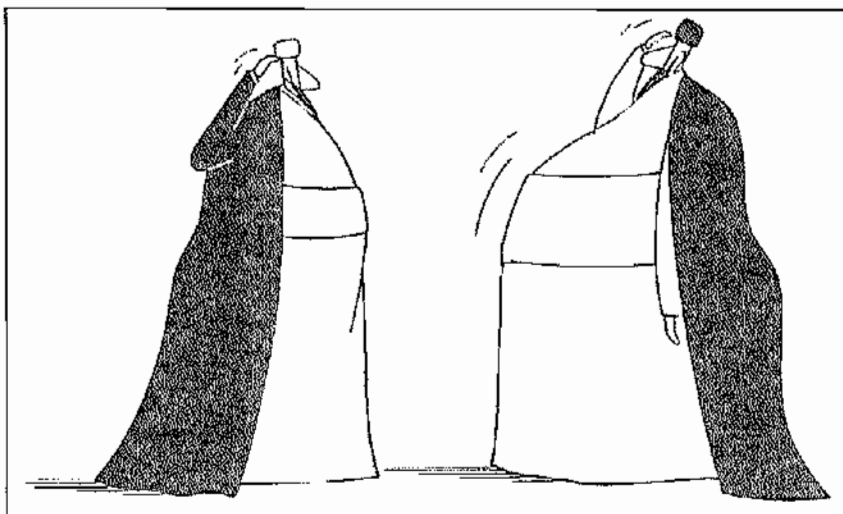
هیچ شنیده‌اید که زما مداران رژیم‌ها و حکومت‌های با ثبات جهان در هر فرصتی که دست می‌دهد سوگند بخورند که رژیم یا حکومتشان ، به کوری چشم این و آن ، تثبیت شده است ؟ آنان چنین نمی‌کنند ، زیرا تا کیدمدام بر وجود چیزی ، دلیلی بر آن است که آن چیز وجود ندارد . یک مثل عامیانه : خودمان نیز می‌گوید : "گفتی ، بساور کردم ، اصرار کردی ، شک کردم ، قسم خوردی ، فهمیدم که دروغ می‌گویی ، سوگندندم زما مداران و کارگران رژیم تهران در باره ؛ ثبات جمهوری اسلامی ، از همین مقوله است ، آخرین نمونه‌اش را آیت‌الله خمینی در سخنرانی روزیکشنبه ۱۸ آبان ارائه داد . گفت : " دشمنان ما چه در داخل و چه در خارج باید بدانند که جمهوری اسلامی به کوری چشم بر قدرت‌ها ، به کوری چشم منافقین و مخالفین ... ، تثبیت شده است و خللی در آن وارد نخواهد شد ."

این که آیت‌الله خمینی سخنانی را خطاب به افراد دنیروهای مسلح رژیم داد می‌کند ، معنای خاصی دارد . با سواران ، کمیته‌چی‌ها و بسیجی‌ها در رابطه تدریج روحیه خود را از دست می‌دهند و این نه تنها موضع رژیم را در جنگ ناتوان می‌گرداند ، بلکه دست سرکوبگران را نیز در برابر مخالفت روزافزون مردم سست‌تر می‌کند .

تصا دعی نیست که خمینی گفت از پاسداران و کمیته‌چی‌ها و بسیجی‌ها شکرمی‌کنند از این که جمهوری اسلامی را تثبیت کرده‌اند ، این اعتراف مریخ خمینی به آن است که قدرت جمهوری اسلامی او دیگر مدت‌هاست که از توده مردم برمی‌خیزد ، بلکه زلوله تفنگ پاسدارانش می‌آید ، و هنگامی که پشتیبانی مردم نباشد ، خوب می‌توان تصور کرد که لوله‌های تفنگ‌ها چه آسان می‌توانند در یک چرخش مدوشتا در درجه‌ای به سوی کسانی نشانه رود که در برابر اعتراض مردم جز به لوله‌های تفنگ نکیه نمی‌کنند .

همه آنچه رژیم برای نشان دادن به اصلاح ثبات خود به نمایش می‌گذارد ، در واقع دلیلی بر عدم ثبات آن است . در رژیم که سبیل شایعه‌ها ی گوناگون در همه‌جای جامه‌چنان جاری است که رهبران با بهره‌ر چندگانه یک بار ظا هر شود و به تکذیب شایعه‌ها بپردازد ، آیا می‌توان از ثبات سخن گفت ؟ در رژیم کسی نه یمنده نما یخته‌ها می‌جلس آن را بی هیچ تشریفات با زداشت می‌کنند ، آیا می‌توان از ثبات سخن گفت ؟ آن هم نه یک نما ینده ساده مجلس ، بلکه شخصی از زاد و آیت‌الله کاشانی که رژیم زما ن نخستین روز به

مفاخر رژیم



قدرت رسیدن ، او را به عنوان یکی از مفاخر خود عرضه داشته است . چنین رژیمی را چنان مفاخری هم باید ؟ رژیم که با یک دست برچم آمریکا را می‌سوزاند اما همزمان با آن ، دست دیگرش را برای در پیروزی اسلحه به سوی آمریکا دراز می‌کند ، آیا می‌تواند مدعی ثبات باشد ؟ هاشمی رفسنجانی ، مرد به اصطلاح "قدرتمند" رژیم ، خطاب به ایالات متحده می‌گوید : " با ما دشمنی کنید ، تبلیغات خود را علیه ما ادامه دهید ، ولی نکذا رید اسلحه مسما در انبارها یما ن زنگ بزنند و آن را به ما

بدهید . " در پیروزی از این آشکارتر ؟ مگر همین هاشمی رفسنجانی نبود که بارها گفت تعیین کننده در این جنگ ، اسلحه نیست ، ایمان برادران رژیم است و او امدا هاشمی است ؟ حال چه شده است که از آن ایمان و امداد ، بدون اسلحه آمریکا نمی‌تواند ساخته نیست ؟ چرا خمینی دیگر با آن لحن قاطع و مطمئن در باره "سروش جنگ سخن نمی‌گوید ؟ خمینی می‌گوید که اهمیت جنگ امروز از اهمیت فروغ دین بیشتر است ، اما اگر می‌گفت که اهمیت آن از اصول دین نیز بیشتر است ، با رشتبه‌های بیسی

از آنچه تا کنون بدست آمده است ، بدست نمی‌آید . خمینی انکار که فرا موش کرده‌ها سد که چند ماه پیش به بیروان و مقلدان خود دستور داده بودا مسال تکلیف جنگ را یکسر کنند ، روا یست کهنه‌تر را تکرار می‌کند ، می‌گوید : جنگ تکلیف شرعی است ، چه به نتیجه برسد ، چه نرسد . وی دیگر با آن قاطعیت پیشین از سرگونی حکومت عراق حرف نمی‌زند . فقط می‌گوید : " او (یعنی مدام حسین) انشاء الله به همین زودی سرود ، به هر حال جدرفتنی باشد چه نماند ، ما داریم تکلیف ادا می‌کنیم ، " پس آن وعده‌های سرها هوشی که به امت حزب الله می‌دادند ، چه شد ؟ باری ، هیچ جز به چشم نمی‌خورد که دلالت بر ثبات با فتن رژیم داشته‌ها شد ، سز هیچ نشانه‌ای دیده نمی‌شود که روزی این جمهوری اسلامی روی ثبات ببیند ، از انبوه مسائل گوناگونی که رژیم با آن ها روبروست ، حتی یک مساله به راه‌حلی نرسیده است . مساله خانشینی که آن همه دربارها شلاف زدن در جز خوانند ، دوباره به صورت موضوع یک جنگ قدرت بی رحمانه در میان جناح‌ها در آمده است ، این جنگ ، بن بست رژیم را قاطع عبور نابذیرتر کرده است . خمینی به چشم بی‌بیند که قدرت چگونه با تهددهای ن از میان انگشانی می‌ریزد و کساری نمی‌تواند بکند . همین آخرین سخنرانی او را در ضعیف‌ترین موضع نشان داد ، تا بودی سیاسی او بیش تا بسودی جسمانی اش حرکت می‌کند .

کنند ، در این میان ، آیت‌الله منتظری ، سرشناس‌ترین این کسان است ، اما همه نشانه‌ها حکایت از آن دارد که سر نوشتی سوا ی قریبایان دیگر در انتظار خواهد بود . با زرگان را با هیا هوکنا رگذا شتند ، بنی صدر را ز کشور فراری دادند ، قطب‌زاده را چنان کشتند که به گواها کنان سابق زندان اوین ، هولناک‌ترین صحنه‌های ثورات را بدیادمی آورد . منتظری را ممکن است با تشریفات کامل به خاک بسیارند . به هر حال انقلاب فرزندان خود را یکی پس از دیگری می‌بلعد و به کام می‌کشد .

تجربه بدست آمده از همه انقلاب‌های تاریخ نشان می‌دهد که قدرت پس از انقلاب ، که در درون دستگاها کام درمی‌گیرد ، به پیروزی‌های بیکی از دست اندرکاران نمی‌انجامد ، همه را به سوی نابودی می‌برد . تفاوت انقلاب اسلامی با انقلاب‌های دیگر تاریخ برای ما در این است که آن انقلاب‌ها به تاریخ تعلق دارند ، حال آنکه سر قدرت در انقلاب اسلامی جلوشم ما می‌گذرد و قریبایان خود را می‌گیرد . همه با زرگان این انقلاب ، از رفسنجانی گرفته تا خامنه‌ای و موسوی اردبیلی و خوشبینی‌ها ، اگر به مرک طبیعی نمیرند ، دیر یا زود قریبایان این سر قدرت خواهند شد ، خمینی نیز از این قاعده حتمی‌گزیبری نداد ، می‌گوید که وی به تا زگی به یکی از نزدیکان خود گفت : دور نیست آن روزی که مردم جلو حسینیه جماران جمع شوند و شعار " مرگ بر خمینی " سر دهند !

دوران آشفتگی انقلابی

آن شدند ، شکست تلاش برای برقراری نظم بدین سبب نیست که با نیان ایسن تلاش‌های قدرت سیاسی کافی نیستند ، بدین سبب است که این رژیم ، بر حسب ماهیت خود ، نظم نمی‌پذیرد . بهترین گواها این گفته ، فرمان هشت ماده‌ای خمینی است که هنوز مرکز بآن خشک نشده عملاً " از اعتبار افتاد ، خمینی از دستگاها ی سرکوبگر انقلاب خواسته بود بدون کسب مجوز به خانه‌های مردم نریزند ، آبروی مردم را ، هر چند هم که رفتاری به اصطلاح غیر اسلامی از آنان سرزند ، نبرند ، به تفتیش در زندگی خصوصی مردم نپردازند ، اگر چه دستگاها ی سرکوبگر پس از صدور این فرمان ، یکچند ترمزها را کشیدند ، ولی دیوبی نیا نیکه دوباره به خانه‌های مردم هجوم بردند ، آبروی دیگران را بر خاک ریختند و به تفتیش در زندگی خصوصی مردم پرداختند . از ستا دیگیری فرمان امام نیز که هنوز ، چون نقشی بر دیوار ، برجای مانده است ، کاری بر نیامد . وقتی خمینی نتواند وضع را در جمهوری اسلامی به حالت عادی برگرداند ، چه کسی می‌تواند ؟

با این همه فاشا ردرونی جامه برای دستیابی به نظم و رسیدن به حالت عادی چنان شدید است که با زهم کسان سازهای با به میان گذاشتند تا از این فشار درونی جامعه به سود خود بهره‌برداری

تقریباً " هشت سال بیش انقلاب اسلامی در ایران به پیروزی رسید ، قوانین کهن ، اگر هم رسماً لغو نشد ، اعتبار و قدرت اجرائی خود را از دست داد ، بی آن که قوانین تازه‌ای جا نشین آن گردد . قدرت سیاسی که از دربار سرچشمه می‌گرفت ، به اقامتگاه آیت‌الله خمینی در تهران با قم انتقال یافت . قدرت سیاسی به دست آمده بود ، اما نظم تازه‌ای جا نشین نظم کهن نگردید . انتقال از بی نظمی و آشفتگی انقلابی به دوره نظم و ترتیب پس از انقلاب ، تقریباً " بدون استثناء " با خشونت و خورسبزی همراه است . انقلاب اسلامی هنوز دوره نخست ، دوره آشفتگی انقلابی را می‌گذراند . هر تلاشی برای ایجاد نظم تازه ، از هر جا هم که سر زده باشد ، تا کنون با شکست روبه‌رو شده است . نخستین شکست را در این رهگذر دولت موقت مهدی بازرگان پذیرا شد . بنی صدر و قطب‌زاده ، اگر چه از ناگاسی بازرگان درسی گرفته و محتاط تر شده بودند ، لیکن شکستی که در راه ایجاد نظم در رژیم اسلامی خوردند ، بسیار سخت‌تر از شکست مهدی بازرگان بود . از آن پس مدت‌ها کسی جرئت نکرد در جهت غلبه بر بی نظمی جمهوری اسلامی به استقبال خطری برود که با زرگان و بنی صدر و قطب‌زاده هر کدام به نوعی قریبانی

بقیه از صفحه ۱

رادیو ایران ساعت‌های پخش برنامه

ساعت اول
 ساعت ۷:۳۰ تا ۸:۳۰ (موج کوهسنا) ساعت ۱۷ تا ۱۸ به وقت تهران : روی امواج کوهسنا ۵۶۵۰ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۵۵۵۰ کیلوهرتز (۲۲ مرس) و ۵۴۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۵۳۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۵۲۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۵۱۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۵۰۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۴۹۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۴۸۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۴۷۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۴۶۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۴۵۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۴۴۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۴۳۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۴۲۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۴۱۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۴۰۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۳۹۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۳۸۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۳۷۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۳۶۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۳۵۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۳۴۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۳۳۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۳۲۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۳۱۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۳۰۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۲۹۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۲۸۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۲۷۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۲۶۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۲۵۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۲۴۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۲۳۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۲۲۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۲۱۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۲۰۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۱۹۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۱۸۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۱۷۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۱۶۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۱۵۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۱۴۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۱۳۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۱۲۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۱۱۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۱۰۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۹۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۸۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۷۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۶۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۵۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۴۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۳۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۲۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۱۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۴ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ۰ کیلوهرتز (۲۱ مرس) و ...



عدل اسلامی

مجله ژون آفریک در شماره ۱۲ نوامبر خود در مقاله‌ای در مورد توقیف مهدی هاشمی می نویسد:

زندانی محفوف و بن در شمال تهران از ۲۹ مهرماه گذشته همچنان تا زه‌ای را به خود راه داده است. این همان تاساژه کسی جز مهدی هاشمی نیست.

چرا که "رهبران انقلاب آیت‌الله روح‌الله خمینی از سال ۱۳۵۷ اوارا برای هماهنگ سازی فعالیت‌های مربوط به صدور انقلاب اسلامی برگزیده است.

هاشمی، با در اختیار داشتن بودجه‌های بیش از ۷۵۰ میلیون دلار در سال وزیر تسلط داشتن واحدهای مسلح انقلابی که اکثر آنان از میان مهاجران عراقی و افغانی برگزیده شده‌اند به قبول آیت‌الله محمد محمدی رهنبری وزیر اطلاعات، دولتی در دولت بوجود آورده بود.

آیت‌الله رهنبری از هجده ماه پیش هاشمی را در "لیست سیاه" خود قرار داده بود، اما دستگیری او کار آسانی نبوده. رئیس شورای صدور انقلاب اسلامی از وابستگی نزدیک آیت‌الله منتظری جانشین برگزیده خمینی بود.

بنابر گزارش منابع موثق، در پیاره سرنوشت هاشمی، که در شهر مقدس قم به گونه رئیس حکومتی بکلی مستقل عمل می کرد، مذاکرات مفصل و متعددی در کابینه میرحسین موسوی صورت گرفته بود.

سرانجام رهنبری پیشنهاد می کند که در این مورد نظرات ما پرسیده شود. وی در اوایل مهرماه گذشته از خمینی پرسید: "آیا می توان همه کما فی را که برخلاف قانون رفتار می کنند دستگیر کرد؟"

پاسخ خمینی چنین است: "یقیناً!"

دستگیری مهدی هاشمی در خانه آیت‌الله منتظری در قم، بنویسد خود عملی سیاسی تحریر است. امیرا ز سوی رهنبری بود چرا که رهنبری هرگز حکومت خود را با آیت‌الله منتظری بنهانه نکرده است. اما مسوران رهنبری با آزار از آن هم فراتر گذاشته شده‌اند. برادر مهدی هاشمی و داماد منتظری را هم دستگیری کردند. روز بعد از این ماجرا، منتظری برای تسلیم اعتراض خود به خمینی، به تهران بیرون رفت. اما خمینی سر سختی نشان می دهد و وزیر با رنجی رود. وی به جانشین برگزیده خود می گوید: "عدل اسلامی در مورد همه اعمال می شود و تبعیض قابل نمی شود.

افریقای جوان می نویسد: دستگیری مهدی هاشمی نشان دهنده آن است که جمهوری اسلامی می خواهد دولت خود را از گروه‌های مسلح خود مختاری که زهر قید و قانی نومی میرا هستند پاک سازی کند. هاشمی که با جماعه هیریه لیبی رابطه بسیار نزدیک داشت و با رهبران مهمان خدایی بود از تسهیلات مهمی برای آموزش دادن به کادرهای انقلابی دیگر کشورهای اسلام را برخوردار نبود.

اما این تسهیلات را برای تشویق موقعیت خود در بین رژیم تهران بکار می گرفت. در همین حال، هاشمی توانسته بود حمایت عده زیادی از اعضای پنهان مجلسین اسلامی و نیوزده‌ها تن از اما ما من جمعیه شهرستان را جلب کند.

هاشمی یک بار در سال ۱۳۵۳ به علت حقه کردن آیت‌الله شمس آبادی، که در آن روزگار مخالف فعال خمینی بود، ناشن بر زمین نا اعدا بود. وی همراه با شش تن از همداستانش که همگی متعلق به

افشا گری ها

را بروت مک فارلین بنا وریشین امنیتی رونا لدریگان، فاش کرد که مقدمات سفر محرمانه‌ای به ایران از مدت ها پیش فراهم شده بود و در تهران مورد پذیرائی گرم مقامات جمهوری اسلامی قرار گرفت.

به گزارش خبرنگاری فرانسه از واشنگتن، را بروت مک فارلین طی معاخصه‌ای با شبکه‌های تلویزیونی "ان بی سی" و "سی بی سی آمریکا" گفت: مقدمات سفر محرمانه‌اش به تهران که در اردیبهشت ماه امسال انجام شد، از سال گذشته به دقت در بالاترین سطوح فراهم شده بود. وی افزود: این مقدمات بدین شکل دیداری که با واسطه‌ای در لندن در سال گذشته انجام گرفت، فراهم آمد. مک فارلین نام شخص واسطه‌ای را که در لندن ملاقات کرده است فاش نکرد. مشاور پیشین امنیتی رئیس جمهوری آمریکا این موضوع را که اعضاء هیئت همراه وی از کدورتا مه‌های جعلی ایرلندی استفاده کرده‌اند در کرد و گفت: ما در اردیبهشت ماه امسال به عنوان نمایندگان رسمی دولت آمریکا به ایران رفتیم و مورد پذیرائی گرم و میهمان نوازی مردم اینگونه دیدارها قرار گرفتیم. مک فارلین همچنین گفته‌های سران جمهوری اسلامی را مبنی بر این که وی و همراهمان، پنج روز در هتل هیلتون تهران تحت نظر بوده‌اند تکذیب کرد و افزود: ما در مدت اقامت ما در ایران، مذاکراتی جدی با مقامات عالی رتبه جمهوری اسلامی داشتیم. مک فارلین تأکید کرد با وجود تحویل اسلحه آمریکا به جمهوری اسلامی سیاست آمریکا مبنی بر خودداری از مذاکره برای کسب آزادی گروهگان ها، به قوت خود باقی است.

وی در مورد این که آمریکا از دادن اسلحه به جمهوری اسلامی چه بهره‌ای برده است

گفت: «میدوای ریم این مناسبات با عت قطع حمایت جمهوری اسلامی ضروریست بین الجلی و در نتیجه با بان یافتن تروریسم بشود.»

مشاور پیشین امنیتی ریگان افزود: نوع جنگ افزایش یافته که در اختیار جمهوری اسلامی قرار گرفته است طوری است که سه هیچ عنوان در جنگ جمهوری اسلامی با عراق و امکانات تروریستی رژیم تهران، تا شبر نمی گذارد.

به گزارش خبرنگاری فرانسه، مک فارلین در مصاحبه دیگری با شبکه تلویزیونی "ان بی سی" آمریکا گفت: افشای ماهیوریت محرمانه‌ای که بین ایران می توانست برای مقاماتی که وی در تهران با آن ها مذاکره کرده است، خطراتی در برداشته باشد. وی افزود: وقتی با اشخاصی مذاکره می کنیم که قصد دارند یک سیاست افراطی را بطور بی‌شمار تغییر دهند، چنین اشخاصی ضربه می‌خورند و به شدت در معرض خطر قرار می‌گیرند. بنابراین این افشای نام آنها میتواند بسیار خطرناک باشد. وی بدون افشای نام مخاطبان خود در تهران گفت: همگی از بالاترین مقامات جمهوری اسلامی بوده‌اند.

این در حالی است که سید علی خامنه‌ای رئیس جمهوری اسلامی، روز گذشته ۱۴ نوامبر انجام هرگونه مذاکره سیاسی را با مک فارلین تکذیب کرده و ادعا کرد که مک فارلین و هیئت همراهش، هنگام اقامت در تهران، مورد پذیرائی و مقدمات امنیتی رژیم قرار گرفته‌اند.

بر اساس گزارش‌ها، مک فارلین در مطبوعات آمریکا، منتظر شده است. شخصی به نام منوچهر قربانی نیز که به میرحسین موسوی نخست وزیر جمهوری اسلامی نزدیک است، در روابط میان واشنگتن و تهران، نقش واسطه‌ار برعهده داشته است.

خبرگزاری فرانسه

اعترافات رئیس جمهور

رونا لدریگان رئیس جمهوری آمریکا روز ۱۳ نوامبر سرانجام به ده روز سکوت در باره گزارش‌های مربوط به فروش اسلحه به جمهوری اسلامی خاتمه داد و برای نخستین بار نا شهید کرد که ایالات متحده به جمهوری اسلامی اسلحه و قطعات تیرگی نظامی تحویل داده است. وی تأکید کرد که مقامات دیر این جنگ افزایش داده‌اند و به عنوان باج برای کسب آزادی گروهگان داده‌اند.

خبرگزاری فرانسه که این خبر را از واشنگتن گزارش کرده است می افزاید: ریگان که سخنان او از شبکه سراسری تلویزیون آمریکا پخش می شد، اظهار داشت، اسلحه‌های مذکور در چارچوب "یک ابتکار محرمانه" تحویل داده شده است.

به جمهوری اسلامی تحویل داده شده است. به گفته ریگان این تلافی محرمانه دیپلماتیک ۱۸ ماه پیش آغاز شد و برای آن که مقامات جمهوری اسلامی مطمئن شوند که این تلافی با مذاکرات با دستور و حمایت شخص رئیس جمهوری آمریکا انجام می شود، دستور داده شد که دیر جنگ افزایش نیزد و اختیار جمهوری اسلامی قرار گیرد.

ریگان اما گفته که در زمانی که تمسای دولت آمریکا با جمهوری اسلامی آغاز شد دلیلی بردست داشتن جمهوری اسلامی در عملیات تروریستی علیه آمریکا بدست نیامده است و تعدادی از گروهگان های جمهوری اسلامی آزاد شده‌اند. وی از تلاشهای که جمهوری اسلامی از مدتی قبل آغاز کرده و به آن ادامه می دهد اظهار خوشوقتی کرد.

خبرگزاری فرانسه می افزاید: اعترافات ریگان، در مقابل انتقادهای شدید چند روز گذشته، کنگره آمریکا و مطبوعات آن کشور صورت گرفت که به افشاگری‌های متعددی در این باره دست زدند. دلایل ریگان در مورد فروش اسلحه به جمهوری اسلامی، کنگره ایالات متحده و بسیاری از مفسرین سیاسی را قانع نکرده است.

ساتور را بروت پیر - رهبر اکثریت دموکرات در مجلس سنا، آمریکا، بلافاصله پس از نطق ریگان اعلام کرد: کاخ سفید دست به یک حمله تبلیغاتی روا بیست عمومی زده است تا نتایج یک اشتباه بزرگ خارجی را تحت الشعاع قرار دهد. وی افزود: با این عمل، معلوم نیست که اعتبار ما در مقابل دوستان ما و همچنین در داخل آمریکا، چه خواهد شد. بسیاری از مفسران خاطر نشان کردند که ریگان در نطق خود سعی داشت به وسیله بازی با کلمات از افشای دیگر جنبه‌های این معاومه خودداری کند. وی در همین حال که شرکت واسطه‌های را در داده است

تحويل اسلحه به جمهوری اسلامی تکذیب کرد، هیچگاه از اسرائیل نام نبرد. به نوشته خبرنگاری فرانسه، آمریکا از بنا در اسرائیل برای تحويل اسلحه به رژیم تهران استفاده کرده است.

یک مقام بلندپایه آمریکا می‌گوید: قبلاً از نطق ریگان، اعلام کرده بود که آمریکا، پیش از آن که ریگان در ژانویه ۱۹۸۴ فرما می دهد، در مورد اسلحه به جمهوری اسلامی امضا کند از کشورش برای این کار استفاده کرده است. این مقام آمریکا می‌گوید که کشور مذکور فاش نکرد، اما مفسرین معتقدند که این کشور اسرائیل بوده است.

ریگان در نطق تلویزیونی خود گفت: به منظور برقراری مجدد روابط سیاسی با ایران، پایان دادن به جنگ جمهوری اسلامی و عراق، کسب آزادی گروهگان های آمریکا در لبنان و قطع عملیات تروریستی اجازت داده است گشاسی دیپلماتیک محرمانه‌ای سوی ایران صورت گیرد.

رونا لدریگان، همچنین تأکید کرد که در بهار گذشته، مشاور پیشین امنیتی خود "را بروت مک فارلین" را برای معاخصه با رهبران فرستاده است. مک فارلین به نویسه خود در تلویزیون اعلام کرد که تمام سپاه پیش با مقامات جمهوری اسلامی با یک محرمانه انجام می گرفت.

پیش از این یک مقام دولت آمریکا اعلام کرده بود که او شنگتن مذاکراتی را با جناح معتدل جمهوری اسلامی آغاز کرده است و برای اثبات حسن نیت خود قبول کرده است اسلحه نیز به رژیم تهران تحویل دهد.

رئیس جمهوری آمریکا در نطق خود گفت: این سلاح ها به هیچ وجه نمی تواند باعث تعادل نظامی بین جمهوری اسلامی و عراق را برهم زند. وی همچنین بر بی‌وجهی استراتژیک مهم ایران تأکید کرد و گفت: ایران چه از نظر صدور نفت به غرب و چه از نظر همجواری با شوروی در موقعیت استراتژیک بسیار حساسی قرار داده‌اند. وی گفت: با هدایای آمریکا عبارتند از: حقوق استقلال ایران در مقابل شوروی و جلوگیری از براندازی و ترور در منطقه. ریگان اما گفته که: "بدلیل جنجال‌های که در مورد تماس‌های محرمانه آمریکا با جمهوری اسلامی برای اقامت داده است، اکنون هر استیکار عملی با مشکل روبرو شده است. اما تا کید کرد که از بهار گذشته تا به حال مذاکرات جریان داشته است و بیشتر تقاضاهای ما برای کسب آزادی گروهگان در این حال یک سنا و حزب دیکمیرات آمریکا "با تریک موی نی هان" خواستار استعفا دربار "ار یوئین دستر رئیس شورای امنیت ملی آمریکا شده که مغز متفکر سیاست محرمانه آمریکا در مقابل جمهوری اسلامی به شمار می آید.

خبرگزاری فرانسه

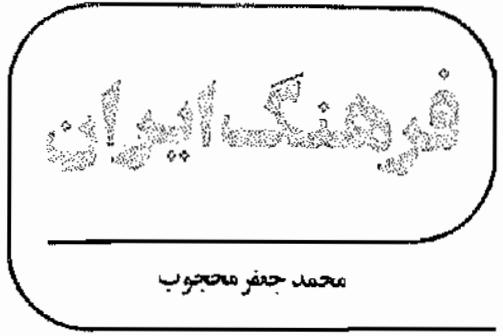
معاملات فضاحت بار

معاملات بنهانی حکومت ریگان با جمهوری اسلامی فضاحت بار است. به این ماجرا از هر زاویه که بنگریم به بنهانی سیاست خارجی آمریکا یعنی نا هماهنگی استراتژیک، اغتشاش و اغتشاش‌ها و دخالت سیاست‌های داخلی و نا شیکری‌ها و نداشتن‌کاری‌های افراد نا وارد در آن بسر می‌خوریم. اما دولت مردان عالی رتبه کوی شرم نمی کنند. آنان همچنان اسرار را در تانکه سیاست آمریکا مبنی بر اینکه هیچ امتیازی نباید به تروریست ها داده شود برجای خود باقی است. اما اسنان بر راستی می خواهد چه کسی را فریب دهند؟

بی شک کشورهای اروپای غربی و به ویژه فرانسه فریب آنان را نمی خورند. خالص آنکه اکنون فرانسویان بهترین بهانه را برای توجیه کمک‌های زیرزمینی که به سوریه کرده‌اند در دست دارند.

تا بدوشتی که با روابین پرگر، وزیر دفاع آمریکا می گوید، که حکومت ریگان هیچ فایده‌ای از برورزی رژیم خمینی در جنگ با عراق نمی برد به حرف خود معتقد باشد. اما فعل آمریکا می‌تواند با قول شان توافق بسیار دارد.

جای گفت و گو ندارد که تجهیزات نظامی که کاخ سفید برای ایران تهیه می کند برای جنگ با عراق بکار می‌رود. آیا حکومت ریگان از خطرهای ناشی از این عمل بی‌خبر است؟ یقیناً خیر. چون جود شولتر، وزیر امور خارجه آمریکا با تحویل مخفیانه اسلحه به رژیم تهران



بهرام و آرزو

خواستن بهرام دخت ماهیار گوهر فروش را

محمد جعفر محبوب

بماند با ناله جنگ و تپش
بهرام با این اندیشه ها و اردخانه گوهر فروش می شود.
میزبان گشاده روی، در برابر او جای برمی خیزد و
می ایستد و خوش آمد می گوید. بی درنگ جایگاه
برای نشستن بهرام آماده می کنند و خوانی گران ماهیه
با خوردنی های گوناگون برای وی می گسترانند.
خدمتگاری دیگر نیز به سراغ برشته ده (= خدمتگار)
بهرام می رود، اسب او را می بندد و خوراک می دهد.
جایگاه می جداگانه نیز برای خدمتگاران آماده می کنند.
آنگاه برای میزبان نیز جایی برای نشستن در زیر دست
بهرام آراسته می شود. وی نزد شاه می نشیند.
به ورزش بیست و نه آراسته میزبان

به بهرام گفت ای کو مرزبان
تویی میهمان اندر این خانه من
فدای تو سادات و جان من
بدو گفت بهرام : تیره بیان
که یابد چنین تازه رومیزبان؟
چونان خوردند سخام ناید گرفت
سخواب خوش آرام ناید گرفت

گوهر فروش نیز چنین می کند. پس از نشستن دست از طعام،
می رجام در میان می آید. دهقان جام نخست را خنود
می نهند و سپس آن را به منگ و گلاب می شویند و به دست دختر
می دهند تا به بهرام ببیاید.

دخت گوهر فروش چون پیش بهرام می رسد نام او را می پرسد.
بهرام می گوید نام من گشپ است و به آواز جنگ ندین
سوی آدمم و قدم نهادن ندا شتم. میزبان به بهرام
می گوید این دختر من و نایه سرفرازی من است. هم
می گسار است و هم جنگ زن هم آوازی خواند و هم شجاع و
لشکر شکن است و نایه آرزوست. سپس :
به رویی گفت : بردار جنگ

به پیش کشب آبی، نایه و رنگ
بیامد بر یادنا، جنگ زن
خرامان بیان بست بر همن
به بهرام گفت : ای گزیده سوار
به هر چیز مانده، بهر یار
چنان دان که این خانه بر سر توست
بدر میزبان است و کنج بر توست
شبان سیه بر تو سر هده سواد

سرتیر ترا از برابرانده باد
بهرام از دختر خواست می کند که جنگ را برگردد و بیست و نود
و سرودی بخواند که ماهیار (= گوهر فروش) آفتاب جوان
سود.

زن جنگ زن چک در سر گرفت
بختین خروش مغان بدر گرفت
بدر را چنین گفت گای ماهیار
چو سر و سینه بر لب جویبار
خوگاف نور کرده سر منگ سوی
زبان، گرم گوی و دل آرزوی جوی
همیشه بداند بیست و نود باد
به دانش روان تو بر سرورده باد

تویی چون فریدون آراسته خوی
منم چون بر ستارونام، آرزوی
ز بهمان چنان سادگتم که ماه
به جنگ اندرون چیره بیند سیاه
آن گاه جنگ زنان روی به بهرام می آورد و با سرود
و آواز خوش لب به ستایش او می گشاید:
به بهمان چنین گفت گای نایه (= نایه)
بلند اختر و یک چیل و کینه کشت

کسی کوندیده است بهرام را
خنیده (= پسندیده)
نکه کرد باید به روی تو من
جزا ورنه نایه (= سپید نیستی) ز لنگر کس
به دل نره سر و سینه تن زنده بیل
به ناورده (= نبرد) خد (= سیزده) گشته (= فکته) برده میل
رخانت به گلنار مانده درست

تو کویی به می برک گل را مست
دوبا زونه کردا بر این کیون (= ستر)
به یای اندر آری گم بیستون
تو آبی کجا (= که) چشم کن چون تو مرده
نه دیدونه بیند به روز نیرد
تی " آرزو " خاک پای تو بیاد

همه ساله زنده برای تو باد
مستی شراب در بهرام اثر کرده بود. سپس با دیدن
زیبایی خیره کننده آرزو، و آن سرود خوش و جنگ زدن
طرب انگیزیک باره هوش و خردش به نا راج رفت و دلش
در کمنده پیر دختر گوهر فروش اسیر شد. و چون هم بهرام و
هم ماهیار گوهر فروش هر دو مستان شده بودند، شاه
میزبان را گفت :

می گشاید و می گوید اگر دگری بهرام شاه نبود، بهر
مرد چنین دستگا می به هم نمی زد. اما خدا را شکر که
شهنشاه چندان خواستار زروسیم نیست و موبد و دستورا و
نیز پیدا دگری پیشه نکرده اند. آن گاه از بهرام می پرسد :
نکویی مرا کاین ددان را که کشت
کداورا حدای جهان باد نیست

بدو گفت بهرام کاس هر دو سیر
نهد به بیگان مردی دلیر
خو شیران جنگی بکست او، برف
سواری سرفراز با بار هفت
به دنبال این گفتگوسراغ خانه گوهر فروش را از زبان
می گیرد :

کجا با شادایان (= خانه) گوهر فروش
بیدار کن راه و سرما بشوش
بدو سر بیان گفت زاید (= از این جا) برو
دهم تا زه پیش اندر آیدت، سو
به سیر آید آواز زان جایگاه
به نزدیکی کاخ بهرام ساد
خوگردون سوند حریر سیاه

نجهن آید آن مرد بدستگاه
کرایدون (= چنین) که ساد لختی درنگ
سه گوس آیدت نوی و آواز جنگ
بهرام به شنیدن این سخن جامه را تغییر می دهد و...
جاسد ز دستورا رنگرس
همانا بر آواز زرو سدرس
با رفتن بهرام، روزبه و زیروی لب بدخن می گشاید :

حسن گفت با موبدان روزبه
که اکنون سواداه ایران سده
نیمه بدان جان (= خانه) گوهر فروش
همه سوی گفتار در آید کوش
بخواه همان دختر سر آیدت
نهدی کجان بر سر تاج زر
ساده می سری ارتخ و خیر (= هم آغوشی)
نبت تیره ز وقت گیرد کسریز

سنان مرا ورافزون از صداست
شهنشاه زین سان که با شاد است
کنون سمدوسی زن از بهمن ران
همه بر سران افسران گوهران...
سمرده است خادم به شکوی (= خانه) شاه
کرایشان یکی نیست بی دستگا...
دریغ آن برو کتف و بالای شاه

دریغ آن رخ مجلس آرای شاه
نبیند چون او کس به بالا و زور
به یک تیر بر هم بدوزد دو گور
تبه کرده از خفت و خیز زان
به زودی شوه دست چون پرنیان
کند دیده تاریک و رخساره زرد
نه تنی ست کرد به لب لا زورد (= لاجورد)
به یک ماه، یک بار آ می ختن

گرافزون بُود، خون بود ریختن
همین بار، از بهر فرزند را
بباید جوان خردمند را
وزیر و لشکر بیان، سخن گویان به شهر با زمی گردند
بهرام نیز در شب تیره به راه می افتد و تنها یک نگهبان
برای تیمار اسب، با خود می برد و چون آواز جنگ به
گوش می رسد، به سوی همان آواز اسب می تازد تا به
خانه گوهر فروش می رسد و در راه می گوید و آواز
می خواهد. خدمتگاران بهر بیان گوهر فروش از او می پرسند
کستی که در این شب تیره در می زنی؟ بهرام می گوید
با مددان شاه برای شکار به نخجیرگاه رفت و من از
همراهان او بودم. در راه اسب من لنگید و من از او جدا
ماندم. اما این اسب زین و لگام و ساخت زین دارد و
اگر در کوه بمانم ممکن است کسی آن را از من بدزد و
گرفتار شوم. خدمتگاران بهرام می پرسند که گوهر
فروش می گوید :

چنین داد با سخ که بگسای در
تو پیمان ندیدی ای در (= این جا) مگر
کنیزک دوان رفت و بگسای در
به بهرام گفت : اندر آری ای پسر
حونه اندر آمدن جان جای دید
بر ستند هر جای برای دید
حنن گفت گای دادگر یک خدای
به خوبی سویی بنده را رهنمای

مبادا بجز داد، آیین من
مبادا زو کردن کسی دین من
همه کار و کردار من داد باد
دل زبردستان به ما شاد داد
کرافزون بُود دانش و داد من
ساز مرگ روشن بود یاد من
همه زبردستان خو گوهر فروش

در میان یادنا هائی که - اعم از شاهان افسانه ای و
تاریخی - فردوسی نام ترجمه احوال ایشان را در
شاه نامه یاد کرده است، گاملا" پیدا است که سادات و طبوس
نسبت به دوشن از این شاهان، یک یاد شاه حماسی و
یکی از یاد شاهان تاریخی، نظری مسا عددا ششمه، و در
حقیقت هوا خواه و دوستدار ایشان بوده است.

پادشاه حماسی مورد علاقه فردوسی کی خسرو و شاه
تاریخی مورد نظر او بهرام پنجم ساسانی، معروف به
بهرام گور است که نام او را همه ایرانیان و دوستداران
فرهنگ ایران شنیده اند. درباره کی خسرو، که از
پادشاهان داستانها است، و در کتاب های مذهبی و سنتی
ایران پیش از اسلام در زمره جاویدانان سمرده شده
است در این مقام سخنی نمی توان گفت. این جاسن از
بهرام گور است و در هنگام مطالعه بخش تاریخی شاهنامه
کاملا آشکار است که فردوسی با لطف و هوا خواهی خاصی
بهرام سخن می گوید. در میان پادشاهان ساسانی
سرگذشت خسرو نوشیروان از همه در زمره ساسانهاست.

چاپ اتحاد شوروی در ۴۴۸ بیت سروده شده است. مادر
شرح پادشاهی وی بسیار داستان های مستقل آمده است.
که تهرمان آن گسار دیگر هستند مانند داستان بزرگمهر،
داستان مهید با زروان، داستان درنجان شطرنج،
داستان گلبله و دمنده و... بخشی از این داستان ها نیز
چندان در ازو تمام ناشده است که برای خود شاهنامه
ملاک خیز بوده اند آن جا که وی خداوند خورشید و ماه در
سیاس می گوید که زگفتار بیوزر چهره و شاد است.

پس از آن، سراسر همین چاپ شاهنامه، سرگذشت بهرام
گور در زمره دیگر پادشاهان ساسانی و دارای ۲۵۹۳ -
بیت است که در سراسر آن چهره نمایان و شخصی اول
داستان خود بهرام گور است و حال آن که سرگذشت
ارشدیر پیش از پادشاهی (در ضمن داستان اردوان پنجم)
و پس از آن بر روی هم در ۱۴۶۶ بیت و زندگی نامه شاپور
ذوالکتنادر ۶۶ بیت سروده شده است.

بسیاری از داستان های روزگار بهرام گور، شنیدنی و
یادگرددنی است و توجه خاص فردوسی به او از روی است
که بهرام پادشاهی شجاع، با تدبیر، دادگرو و مردم
دوست بود. هیچ چیز و را پیش از آن شاهان نمی کرد که
مردم کشور خویش را به تنهایی در راه و آسایش، بلکه در
عیش و نوش ببینند. داستانها را که از میان داستان های
بهرام گور برگزیده ایم، علاوه بر داستان این جنبه خاص
شخصیت بهرام، دارای نکات بسیار جالب و اجتماعی نیز
هست و از آیین زن خواستن و زنا شویی کردن و مهمان
دوستی و پذیرایی ایرانیان نژاده از مهمانان، و
نسیاری نکات دیگر سخن می گوید. نیز در همین داستان
است که فردوسی، با همه علاقه ای که به بهرام گور دارد، از
افراط او در زن خواستن و خیز زنا انتقاد
می کند و این روش را مایه تباهی اومی شما و بویا دیگر
نشان می دهد که شاه، ستایش نامه شاهان پیشین،
به هر روش و منش که زندگی و پادشاهی کرده اند نیست.

در آغاز داستان، بهرام گور بنا به عادت خویش به شکار
می رود و در محرابی به دوشین و روماده بر می خورد و با
چیره دستی تمام آن دورا با یک تیر بر زمین می افکند.
آن گاه به نزدیکی و سیاهان خویش می گوید که در این
شکار تیری به کار برده است که برنده شده و بیگان آن نیز
چندان نیز نبوده است :

سپاهت همی خواندند آفری
کهای تا سور سهریار زمین
نه دید و نه بیند کسی در جهان
خو بسواد بر تخت ساهسپان
چو با تیری بر تو سیر افکنی
به هر کوه خار از سن سرکنی

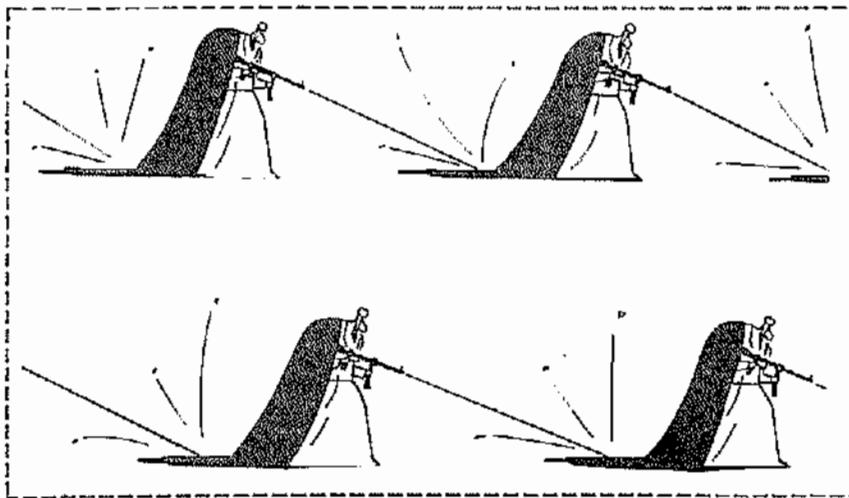
بهرام پس از کشتن شیران به درون مرغزار اسب می راند
و پیشه ای پر از گوسفند در آن جای خطرناک می بیند.
چشم شبان به بهرام می افتد و نژاد او می آید. بهرام از
اومی پرسد این گوسفندان از کجاست که آنرا را بدین جای
نا سودمند فرستاده است ؟

بدو سر بیان گفت گای سهریار
ز کیتی من آیم بدین مرغزار
همین گوسفندان گوهر فروش
به دست اندر آوردم از گوه دوش
توانگر خداوند این گوسفند
نیچند همی از نهی گزیند
به حرور با نامور گوهر است
همان زروسیم است و هم زیور است

نذار دجزا ز دختری جنگ زن
سرتی و سوسنگن سرکن
نخواهد جزا ز دست دختر نیچند
کسی مردم پیر از این سان ندید
سپس، بی آن که بهرام را بشناسد، زبان به ستایش او



سید کاشانی هم از سیدان است



اهمیت خاصی می داد... این نوع مبارزه در یک رژیم غیرمردمی کار برد چندانی ندارد... برای افرادی که در جایگاه رهبری دینی قرار گرفته اند... مبارزات با ولایتی، در حدیک "انتخار سیاسی" می توانند مبریا شود و آیت الله کاشانی با برگزیدن روش مبارزه با ولایتی در چنین انتخاری "قرار گرفته اند" انتقادات نویسنده علیه کاشانی یکی از مقتضایان تاریخی رژیم، تمام ندنی نیست... همچنان نیست و کنا یه ها را حواله می کند، البته با لحنی که متنا سب با پیش در آمد حذف سیاسی او باشد به این تکه های کوتاه و برگزیده از مقاله نیز توجه با مد کرد:

... آیت الله کاشانی وارد مسازات با ولایتی شد و نتیجه قهری جنبی گزینشی، متسزل رهبری دینی - مردمی به مرحله یک نما بنده مجلس بود... وایشان زمینده سقوط از موقعیت رهبری را فرام ساخت... وی عملاً از نظر رهبری، حرکت و تسداوم نهضت را به وجود خویش وابسته ساخت و در زمینه مدیریت از تجربی های موجود بهره گرفت. و این هردو آفتی است که ارتباط مستقیم با بقای یک نهضت دارد...

"آیت الله کاشانی در پی "بی توجیحی" به تربیت افرادی که در آن متعهد، مجبور شد از دیناری بهره گیری که تنها با مدیریت غربی آشنا بودند و از مدیریت دینی اطلاعی نداشتند... یکی از مضمی های سیاسی آیت الله کاشانی به ادا دن به جبهه ملی بود. جبهه ملی نیروی سیاسی بود که از احزاب مختلف تشکیل یافته بود و محوراً ملیسی آن ناسیونالیسم و ملی گرائی بود... همه این نمونه ها که از نشریه حوزه به نقل آورده ایم، نشانگر آن است که خمینی و رژیمش در مورد سیدان با ولایتی کاشانی که آن همد در منقبتش داد سخن می دادند، سیاست دیگری پیش گرفته است. واقعیت آن است که نه آنچه نویسنده در باب آرزوی های کاشانی می گوید صحت دارد و نه آنچه عنوان ضعف ها و اشتباهات او بر شارد درست است. اندیشه بیداری و نیروی همبسته مردم ایران به رهبری بیثباتی گرانقدرش، سی سال و اندکی پیش، حیره چندرتک کاشانی و عوان و انما رش را آفتابی کرد و نهضت ملی ایران را از انحراف در امان نگاه داشت. و گونه شایدها سی سال پیش در دام همین فاجعه ای که امروز گرفتار آنیم، در می افتادیم.

می برد که کاشانی قصد همین به سر برداری های مورد نظرا را داشت. ولی مصدق با پشتیبانی یکبارجه مسردم، نقشه های پیش را خنثی کرد و یکی از خدمات سیشوای بزرگ ملت ایران نیز همین بود! نویسنده که وقیحا نه "مصدق" را "ملی" برای گذر به واسطگی آمریکائی عنوان می کند، مقاصد و تروریست های فدا نشیان اسلام و رهبران ها را به اوج پی رساند و سر حقا نیت اندیس دوروس "آن ها ححه می گذارد. از آن جمله ترور" دکتر فاطمی را نیز عملی انقلابی و ضد امپریالیستی قلمداد می کند. می نویسد: "فدا نشیان اسلام، در وجود دکتر فاطمی آمریکا را می دیدند و در تحویل ها شان به این تشجر رسیده بودند که آمریکا به وسیله دکتر فاطمی در شست سرد کتر مصدق موضع گرفته است... از این رودست سه ترور وی زدند! ..."

نویسنده "نشریه" حوزه، پس از یافتن اباطیلی از این دست با زیابوالقاسم کاشانی دست به قلم می شود می نویسد: "آیت الله به مبارزات با ولایتی

مدمن "سریتم" نیز چنین کاری مبسر نیست! بدیهی است که نویسنده مقاله در جریان استدلالات مضحک خود، بای سید ابوالقاسم کاشانی را بیس می کشد. ولی نه برای آنکه به نیروی از تبلیغات گذشته رژیم او را بیثباتی نهضت ملی ایران، عنوان کند، بلکه با این قصد که بخشی از بار شکست نهضت و کودتای ۲۸ مرداد را بر دوش او بگذارد. از جمله می نویسد:

"... آیت الله کاشانی در موقعیتی قرار داشت که اگر بهره برداری صحیح می کرد و قدرت خویش را با جبهه ملی تقسیم می نمود، نه تنها نفع را به راحتی ملی می کرد بلکه تشکیل حکومت اسلامی هم، چندان دور به نظر نمی رسید! لکن جریان آن زمان که ناره ای از آن ها در طرز فکر آیت الله ریشه داشت و با راهی دیگر به عملکرد ایشان مربوط می شد ما تسع از آن شده و می توانست از چنان نیروی بهره لازم را ببرد!"

نویسنده مقاله، البته عا مدا "از بساد

رژیم ولایت فقیه در این سال های سیاه سیگره خود، بارها ثابت کرده است که برای برپا نگا داشتن منبر قدرت از هیچ کاری رو بگردان نیست. خودی و بیگانه نمی ستاد و آنجا که لازم باشد خودی ها را نیز بدلجن می کشد و سرشان را زیر سرباب می کشد. حتی اشخاص با گروه ها می کشد پایه های منبر قدرت ولی فقیه را استوار کردند، از "مراحمه عالیله" اوبی نصیب نماندند. به محض آنکه لسی به اعتراض گذردند و با گامی خلاف تمام یالات قسدرت طلبانه او برپا شدند، بی درنگ خنجر ولینعمت را در پشت خود دیدند و برای همیشه از ححنه سیاست و قدرت حذف شدند.

با همه آسانی با این "خصمه" جوان مردانه هرگز قابل پیش بینی نبود که حضرت امام و دست پروردگان دستا بریندن، روزی هم روح سید ابوالقاسم کاشانی را احضار کنند و به قول خودشان او را نیز زیر سؤال ببرند! ولی چنین نیز شده است.

دریا ددا وید که تا چندی پیش کسی را جرئت آن نبود که حتی به نعلین مجاهدنستوه، حضرت آیت الله العظمی کاشانی، گفتگی بگوید، همه "بوق های تبلیغاتی" رژیم او را بر هفت کرسی فلک می نشاندند و در مدح و منقبتش قصیده ها می سرودند. ولی حالا وضع به گونه دیگری است! تضادهای جناح های حاکم، کار بحث و جدل و مشاچه را به مدد حوان و مقتدا یا ن، رژیم نیز کشانیده است.

نشریه حوزه، ویژه حوزه های علوم دینی، در شماره پانزدهم خود و در مقاله ای زیر عنوان "رواج نیست و روشنگران در نهضت ملی نعت" تکه هایی را از چرتلکی دربار سید کاشانی آورده است که نشان می دهد، حضرت امام، برای او نیز تصمیم دارد شمیر او را زرو ببیند! نشریه حوزه در مقدمه، می نویسد:

"سایه ای که گذشته خواستند و با خواسته برآینده می افکند و در شماع نفوذ خود حال را ترسیم می کند. تاریخ را موضوع روز می کند و انسان ها را بر آن می دارد که گذشته خویش را بشناسند و از "روا" و "ناروا" های آن پند آموزند... همه تلاش مذبوطانه نویسنده مقاله، در این مقدمه در آن است، که چهره جبهه ملی نخستین را به رهبری دکتر محمد مصدق مخدوش سازد و در برابر توکل به دروغ و دغل و سفسطه کلیت نهضت ملی ایران را در سال های ۲۰ و ۳۰ بیگانه فدا نشیان اسلام" بچسباند. کد البته با

خواستن بهرام دخت ماهیار گوهر فروش را

بهرام و آرزو

بدو گفت سرخیز و بگای دس نه هنگام خواب است و جای نشست که نه جهان است مسمان تو بدی بی نوا خانه و مان تو ما هیا رنخت سخن وی را با ورنمی کند. ناگزیر در بان بیشتر توضیح می دهد: بیامد برهنده هنگام رور که بیدار شد مور (= خورسید) گیتی دروز یکی تازیانه به زر تافته به هر جای گوهر بر او افتد بیا و بخت از بیسی در گناه ما بدان سو که با سذکر گناه ما ظاها " رسم چنین بوده است که برای اعلام حضور شاه در جای، تازیانه او را بر دربان خانه می آویخته اند. ما هیا روقتی از حقیقت امر آگاهی می یابد سخت نگران می شود: کد من دوس بس سهنداه مست چرا بسودم و دحترم می برست بیامد سوی حصره آرزوی بدو گفت گای ما و آزاده غوی سیماه بهرام بود آن که دوس بیامد سوی خای گوهر فروش... کون حیرودیمای جیسی بیوش بنه سرافرا سر حنان هم که دوش سارس کن از کوه رسا هوار به با قوت سرخ از در (= نایسته) شهریار... مین مرزرا اسم در بیسی دار زرا حون روان و تن خویش دار جویر سبت. نا و سخن نرم گوی سخن های سارم و آرم گوی سن اکون نیابم، انخر خاکم نه جای برهنده بنشاند کم سانی همالان نشسم به خوان که اسدرتم حرد با دستخوان

نه ترخ بود مد ت زن خواستن و گرنیز کاری نو آراستی اما بهرام اصرار می ورزد و به ما هیا رمی گوید فال بسد زدن نیکنیست! بسد من است امسا این حنک زن توانن فال بد تا نسوانی مزن ما هیار، ناگزیر با دیدگروری به دختر می آورد و رضای او را جویا می شود: حنن گفت با دخترس آرزوی بسندی او را نگفتا روخوی؟ بدو گفت: آری، بسدیده ام به جان و بددل خست حون دیده ام بکن کار، زان پس به زدن سبار که گردون بحنک است ما هیار بدو گفت کاکسون تو چوخت و بیسی حنان دان که اندر بخت و بی بدو داد و بهرام کورس بخواست جوسب روز سذکا را و کسب راست ما هیار که از این عیش و عشرت و گفتگوی شیان خسته شده بود، پیش از خواب به دقت ویا با دکردن جزئیات دستور پذیرایی از کسب سوار را به " برهنده" می دهد و میگوید که گوی را از بی گوسفند بخرستند: نباید که آرنسد حوان بی سره بره نیز سرورده باید سره جویدار گردد فقاغ و بیخ آرم همی باس پیش کسب سوار یکی جام کافور بر سار کلات چنان کر که سوسا بود جای خواب ما هیار پس از دادن این دستور ها به خواب می رود. از سوی دیگر در بر آمدن آفتاب خدمتگا رهپورام تازیانه او را بر در خانه ما هیا رمی آویزد تا ساهیا بن بداند به بهرام کجاست و روی به سوی او آرنسد. کم کم ساهیا بن فرامی رسد و یکدیگر را آگاه می کنند و لشکری گران بردارخانه ما هیار گرد می آید. در بان چون این وضع را مشا هسده کرد: بیامد سر حقه برسان کرد سر بریرا ر خواب بیدار کرد

کد دختر به من ده به آیین و دین جو خواهی که یابی به داد آفرین پدر دختر، نخست روی به دختر می کند و از وی پرسد آیا این سوار را می پسندی؟ از او وجه مقدار رفتار می خواهی؟ بگد کن بدو، تا بسند آیدت بر آسودگی بسود مسند آینست؟ آرزو نیز که در عین دلیری از بهرام مشیفته او شده بسود بیستجا دیدر را از خدا خواست: چنین گفت با ما هیار آرزوی گهای با آزاده و نیگ خوی مرا گرمی داد خواهی به کس؟ کمال (= همسر) کسب سوار است و بیس تو گویی به بهرام ماند همی جوجان است با او نستند دمی بدین ترتیب پس رو دختر در خواستار یکدیگر شده بودند. اما پدر بیشتر نا امید می گندی آن که بیدار نشد این تا هنشاه ایران است که دختر او را خواستگاری می کند: به گفتار دختر بنده نکرده به بهرام گفت: ای سوار نبرد به زرمی نگه کن سراهی اوی همان دانس و کوسس و رای اوی بکه کن بدو تا بسند تو همس از او آکهی ستر است از نس بدین نیگویی نیز درو بس نیست به گفتن مرا رای کم بس نیست اگر پیشری گوهر ما هیار فزون آید از سده سبر بار با این حال می گوید اگر خواستار او شدی! مشب را می بنوس و به آرا می بخواب، چوزن خواستن درستی بسندی شده نیست. به مستی بزرگان بسندیدم بویره کسی کو بودا رجمند بهان تا بر آرد سبر آفتاب سربا صداران بر آید ز خواب بیاریم سیران داننده را سکیادل و صیر خواننده را سب تیره از رسم بیرون شود به آیین شاه آفریدون بود

ما هیا را ز این که ادب نگاه نداشتند و شتون بادشاهی را در برابر بهرام رعایت نکردند به سخت ناراحت بود. بهرام از خواب برخاست و سروتن بسود و بسوزدان را نیایش کرد. آرزوی آیین ویا احترام تمام نزد بهرام آمد و دوتا گشت و بر زمین بسود داد. اما بهرام با شادی و مهربانی بدو بر خورد کرد و گفت همان جا مه و حنک دیشب ما را بس است. بسب سراج بدرزن خویش ما هیا را گرفت. آرزو بدر را بخوابد:

بقیه در صفحه ۹

سیاست حمایت از فساد

مسئولین نیست، بلکه بینش و استنباط آخوند زقانون نیز در این وضعیت مؤثر است و بدیهی است که وسعت داده‌های خطای قوانین همیشه یکی از دلایل شعیب فساد در درجه است.

بصورت دیگری که با ترویج سربسج و نتا بنده فساد در ایران را بطنه مستقیم و واضح تر دارد شرایط زندگی مسادی مردم است. درباره وضع اقتصادی ایران وسط سرکجه و آن زیبا دگفته شده و فلان " احتیاج به توضیح بیشتر نیست. فقط می گویم که داده های جنگ فقرزاینده و رشد فساد سه متحنی مرتبط به یکدیگرند. همه کس می دانند که هزینه جنگ را مردم متحمل می شوند و همه کس نیز می دانند که نان دادن به زن و فرزند در بسیاری موارد در برابر ملاحظیات اخلاقی و قانونی متوقف نمی شود. فرمول شناخته شده " فقر موجب فساد میشود " در ایران امروز کاملاً صادق است.

حال که به اجمال دیدیم دولت جمهوری اسلامی چگونه زمینه ایجاد فساد را فراهم آورده است، به موضوع مهمتری می رسیم که شاید بخواهیم مشخصه رژیم جمهوری اسلامی باشد. باید بدین ترتیب که امروزه در تمام کشورهای جهان سوم فساد راه های عمده است. ما باین بودن سطح زندگی و نا هماهنگی ساختارهای اجتماعی و اقتصادی سنتی و سومی از یک سو و تجدید و وارداتی از سوی دیگر، رند فساد را در همه این کشورها شتاب داده است. بی وجه مشخصه جمهوری اسلامی در این میان چیست؟

به جرات می گویم که جمهوری اسلامی یکی از معدود دولت هایی است که عارضه فساد را به صورت یک مکاتیم طبیعی اجتماعی در آورده است. به عبارت دیگر جمهوری اسلامی با توفیق کامل به شیوع بی سابقه فساد، نه تنها در مبارزه با آن عکس العملی نشان نمی دهد که در حفظ و نگاهداری آن می کوشد اگر در بعضی موارد اصل رقابت و در برخی دیگر اصل تساوی شروت به عنوان مکاتیم های ایجادتعال اجتماعی تبلیغ و حمایت می شوند، رژیم اسلامی اصل " فساد برای همه " را عقیده دارچنین وظیفه های گردانیده است.

از زمانی که ما هیت رژیم جمهوری اسلامی کم و بیش شناخته شد، صحبت از فساد مسئولان آن نیز زیاد به میان آمد. همه مردم به تدریج فهمیدند و دانستند که عناصر تشکیل دهنده دولت اسلامی تقریباً به اتفاق در فساد دست دارند. این اصلی است که در آن بحثی نیست، بحث بلکه بر سر شیوع فساد در سطوح گوناگون دستگاه دولتی است. چند روز زندگی در ایران امروز کا فیسنت تا هر آدم حتی غیرکنجکا و نیز جلوه ای از رگ و ریشه های برهمنیده " فساد را ببیند. بسیاری کارهای روزانه در آغاز بهمانی برخورد می کنند و سپس احتمالاً از راه غیرقانونی یا غیراخلاقی به نتیجه می رسد. موانع غالباً قانونی اند ولی راه حل ها غیرقانونی است. این اصل حاکم بر جامعه امروز ایران است. برای تشریح بیشتر این اصل باید قیل از هر جنبه استنباط رژیم جمهوری اسلامی از مفهوم قانون توجه کنیم.

در چند سال گذشته رفتار مسئولان جمهوری اسلامی (از سخنان خمینی گرفته تا تصمیم گیری های دادگاه انقلاب) بخوبی نشان می دهد که ذهن تربیت شده در حوزه علمیه اصولاً نمی تواند برداشتی عقل گرا، انسانی و متناسب با دنیا ی کنونی، از قانون داشته باشد. درک مسئولان دولت اسلامی از قانون هنوز در سطح قبلیسادی و غیره ای و در نتیجه گنگ، نامنصف و غیردقیق است. مفهوم مترقی قانون که در جوامع پیچیده امروزی به عنوان اصول خدشهنا پذیر و لازم الاجرا مطرح است در محدوده تکراری آخوند نمی گنجد. در نظر امثال موسوی اردبیلی کا " ملا " طبیعی و موجه است که برای فلان قوم و خویش ضوابط قانونی را نداشته باشد. چرا که آشنایی قومی و اطمینان فردی می تواند حتی پیش از قوانین مکتوب و مسدود و وقوع امری را تضمین کنند. بیسوسوده نیست که گروه های قدرت در ایران امروز نه برنده های حزبی و صنفی که بر روابط خویشاوندی متکی اند، پس باید به این نکته توجه کرد که هرچ و مرج و بی قانونی فقط به دلیل بی لیاقتی فساد

دولت کلمبیا نیست. می خواهم بحث را به نتایج عمیق تر و نه چندان عیان فساد بکشا نیم. دولت کلمبیا اگر در جنبه سربسج بی رحم اقتصاد جهانی اسپرگشته، حداقل اندیشه منافع و اقتصاد ملی را رهسما نکرده و در تلاش است تا با انتقال درآمد گیاه کوکا به سایر بخش های کشاورزی و صنایع معدن کشور را ازبجبران اقتصادی برهاند. در ایران اما چنین نیست. فساد در ایران تنها راهی برای جلوگیری از سقوط قدرت سیاسی و وجسه اصلی آن بی توجهی به منافع و مصالح ملی است. شیوه عمل و تفکری که از این نوع فساد ریشه می گیرد الزاماً " شخصی کننده " هرگونه آگاهی اجتماعی است. دزدی، احتکار یا قاچاق قبل از هر چیز نشانه بی اعتنا بودن به جامعه عنوان پیگیری و احداث است. بدیده فساد به مفهوم دقیق کلمه " فساد اجتماعی " و موجود با رنگی و تفرقه و گسیختگی در هر حرکت جمعی و مشترک است و اینک مسئولان جمهوری اسلامی با حس کردن این واقعیت اجتماعی پیش از هر زمان دیگر بر سر وواج فساد به عنوان یک عنصر دفاعی تکیه کرده اند.

حما بیت جمهوری اسلامی از شیوع فساد بیپوده نیست. هفت سال بی لیاقتی و پیرانی و جنگ کار را بجای رسانیده که اغلب شبکه ها و بافت تولید و توزیع از هم پاشیده است، اغلب مدارهای میسادلالت اقتصادی و فرهنگی از کار افتاده اند، مردم در زیر فشار احتیاج و فقر به راه های متوسل می شوند تا ما احتیاج زندگی را فراهم کنند و در این میان قاچاق، احتکار، گرانفروشی، دزدی، ارتشاء، تقلب، راهی است که سوسوسه افتادن در آن نا منگیر مردم شده است. وجود سازمان ها و گروه های متعدد از قبیل مبارزه با منکرات، مبارزه با فحشاء، مبارزه با مواد مخدر خودنما یا نگسر اصل ماجرا است. آنچه که بیش از همه گویای رازنهان است نظر عمومی مردم درباره این گروهها است. افکار عمومی در ایران بر این عقیده تکیه اعضا گشت های " یا زهرا " یا " ثارالله " همان آلوده دان های سابقند که اکنون توبه کرده یا گدای شده اند! صحت و سقم این ادعاها مورد بحث نیست، بلکه مساله این است که مردم ایران در حال حاضر همین گروه های مبارزه را عاملان ترویج فساد و هزگی و دروغ می دانند و باید اذعان کرد که در چنین مواردی نظر عام معمولاً به راه خطای نمی رود.

با بدستوال کرد: اگر رژیم جمهوری اسلامی در صد تشریح سیاست حمایت از فساد برآید چه خواهد شد؟ اگر مسئولین جمهوری اسلامی با روش های خوشنیت آمیز خود واقعاً در صد مبارزه با فساد برآیند چه بر سر مردم و چه بر سر رژیم خواهد آمد؟ تجربه هفت ساله ثابت کرد که جمهوری اسلامی از ساختن اقتصاد سالم عاجز است، اکنون اگر این اقتصاد دزدی و فساد را نیز منساق کند چه خواهد ماند؟ آیا روزی نخواهد رسید که مردم از همین نان بخورند و نمیرم محروم شوند؟ انسانی که نتواند زرا شرافتمندانه زندگی بگذراند، می دزدد و آنگاه که از دزدی بازماند نظیفان می کند. این درس کهنه ما همیشه بتجربی است که یک قرن قبل ویکتور هوگو زربان " بیثوایان " به جامعه بحران زده فرانسه داد. گوی حکام ایران نیز این درس را بخوبی فرا گرفته اند و می دانند که هرگز نباید براسی علیه فساد اقدام کنند، زندگی مردم را دشوارتر از این که هست خواهند کرد. آنان از بدبختی مردم و ا همسه ای ندارند، از نظیفان بیثوایان و همه دارند.

آنچه ما امروز از فعالیت های غیرقانونی و غیراخلاقی مرسوم در ایران می بینیم و می شنویم تنها علائم سطحی سرطانی است که همه یا خسته های اجتماع را مبتلا کرده است، واقعیت دردناک اینست که در ایران همه روابط انسانی تحت تاثیر فساد منسب از رژیم قرار گرفته اند. زندگی مردم نمی تواند در مسیر قانونی و اخلاقی قرار گیرد، هر نوع پیشرفت و تلاشی برای زندگی بهتر الزاماً از راه های غیراخلاقی حاصل می شوند. این اصلی است که دولت جمهوری اسلامی قبل از هر قانونی به جامعه ایران تحمیل کرده است.

به تازگی می شنویم که دولت کلمبیا که یکی از فقیرترین کشورهای آمریکای لاتین است عملاً دست زارعان گیاه کوکا را بازگذاشته تا آزادانه کارشکنی با شند و این بدلیل درآمد هنگفتی است که این گیاه بر صنعت نصبت دولتی می کند. در واقع اگر حکومت بوگوتسا جلوگیری نکند، نه تنها خسود از درآمد سرشاری محروم می شود بلکه هزاران کشاورز فقیر و در مانده را نیز از کار رسیگار می کند.

هدف دفاع از سیاست بی اخرو عاقبت

فریدکیان زاد



انجمن های اسلامی

این معرفی از او بوده است. ولی باز این قدر نفوذ داشت که ولایتی، مهره خود را در مقام وزارت خارجه دهد. از آن پس رفسنجانی سیاست خارجی را - با دستکم بخشی از آن را - به وسیله علی اکبر ولایتی کنترل می کند. ولایتی این را خوش ندارد. اگر تا کنون آنان ولایتی را در مقام وزارت خارجه تحمل می کردند، اکنون که مبارزه قدرت نزدیک به مرحله نهایی است، آن تحمل نیز به یاری می رسد.

ولایتی، با همه تظاهری که به حزب اللیبی بودن و تند رفتن می کرد، همسواره در برابر چپ گرائی های رژیم مقاومت می کرد. در تهران شایع است و متابیع سازمان ملل نیز این را تا بیدمی کنند که دولت های بلوک شرق، در حسین شیخ الاسلام معاون او به دیده مساعدت می نگرند. شیخ الاسلام دشمن خوئی ولایتی است. او به چند انجمن اسلامی، از جمله انجمن اسلامی دانشگاه، بسیار نزدیک است، حال آنکه ولایتی در این انجمن ها تقریباً هیچ نفوذی ندارد. وزارت خارجه رژیم فقط یکی از صحنه های مبارزه قدرت است. مبارزه قدرت در صحنه های دیگر نیز با شدنی کمتر یا بیشتر جریان دارد.

نیت رژیمی که به اراذل و اوباش خود اجازه دادند زدیوار سفارتخانه های بیالایر و نود دیپلمات های آن را گروگان بگیرند، چه عذری دارد که از با بت شیشه شکستن دست پزندن و عریبه کشیدن بخواهد؟ راستی با بدحق را به انجمن اسلامی دانشگاه تهران داد، عذر خواهی، به رسم متداول دیپلماتیک، وزیر خارجه جمهوری اسلامی را نمی بوازد.

ولی در پشت اعتراف انجمن اسلامی به وزارت خارجه جیز مهمتری نهفته است. در رژیم تهران چنین اعتراض ها نشی فقط سر آغا زحمله برای راندن حریف از میدان است. مبارزه با بنی صدر و طرفداران او مبارزه با قطب زاده نیز چنین آغاز شد. با بیان این مبارزه را همه می دانیم. یکی به دیار نیستی فرستاده شده و دیگری به گمانا می تبعید. فراموش نکنیم که ولایتی، پس از گشته شدن محمد جواد با هنر در ساختمان نخست وزیری، کا ندیدی دلخواه ها شمی رفسنجانی برای مقام نخست وزیری جمهوری اسلامی بود.

مجلس اسلامی به وی ابراز تمایل نکرد. رفسنجانی پاپس کشید و گفت اشتباه

یکی از انجمن های اسلامی که کنگاه نامش را بر سر زبان ها می اندازد، انجمن اسلامی دانشگاه تهران است. آخرین ابرار وجود آن انتشار نامه ای بود که به اعتراض به علی اکبر ولایتی وزیر خارجه، و به سفیر جمهوری اسلامی در آلمان بغدادال نوشته شده است. انجمن اسلامی دانشگاه تهران از وزیر خارجه اسلامی سؤال می کند که آیا درست است که وزارت امور خارجه اسلامی از با بت تظاهراتی که " ملت حزب الله همیشه در صحنه " در برابر سفارت آلمان در تهران براداند داشته بود، از این دولت عذر خواسته است؟ و آیا راست است که سفیر جمهوری اسلامی درین، که سرای ادای توضیحات به وزارت خارجه آلمان فدرال خوانده شده بود، از حادثه نامبرده ابراز تاء سف کرده است؟

وقتی که تنی چند از اوباش دروینجره سفارتخانه های راستگند و بخوانند به زور وارد ساختمان سفارتخانه ای گردند، طبیعی است که دولت مربوط رسماً عذر خواهی کند. ولی نباید فراموش کرد آنچه در جا های دیگر طبیعی می نماید، در جمهوری اسلامی به هیچ وجه طبیعی

پس از انقلاب، انجمن های اسلامی مانند قارچ از زمین روئیدند. این انجمن ها عضو بسیا رندارند، ولی به وسیله مطبوعات و رادیو تلویزیون رژیم آوازه ای یافته اند. جهت گیری این انجمن ها مطابق جهت گیری ها ی است که جناح های گوناگون و مخالف یکدیگر در برابر مسائ مختلف نشان می دهند. مثلاً در مبارزه انتخاباتی میان دوه ای تهران برخی انجمن ها جانب ناطق شوری را گرفتند و برخی دیگر به هواداری از رفیق اوحمدی برخاستند.

انجمن های مخالف دارای اهمیت نیستند ولی دریچه ای هستند که از آن می توان صحنه نبرد قدرت را در رژیم اسلامی تماشا کرد. وقتی یک انجمن اسلامی به یک وزیر یا یک سفیر حمله می کند و این حمله در مطبوعات منعکس می گردد، می توان در یافت که کدام جناح مشیرین را علیه جناح دیگر تیز کرده است. مبارزه قدرت به وسیله انجمن های اسلامی البته شکل مبارزه نیست، اشکال دیگر و خنونت آمیز تر نیز وجود دارد. با زداشت اعضاء بلند پایه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، و اکنون با زداشت نزدیکان آیت الله منتظری نمونه های از این پیکارهای خنونت بار ترند. بسیاری ترورها ی راه که در رژیم صورت می گیرد، این مبارزه قدرت نوشت.

شرکت ملی نفت از روزی که تا سیس شد در صدر آمدن مدگه معا ملاتی برای صدور نفت به خارج انجام دهد. هرچند قسمت اعظم تا سیس نفت جنوب تعطیل شده بود ولی شرکت ملی می توانست با استفاده از زوایا خود و بدون کمک خارجی در حدود سالی هفتالی ده میلیون تن نفت استخراج و تصفیه کند و بنا بر این برای پیدا کردن خریدار کوشش های فراوانی می نمود و بمنظور جلب مشتری حاضر بود تسهیلات عمده ای فائل شود از قبیل اعطای تخفیف در قیمت و قبول معاملات تها تری و تمهید جبران هرگونه خساراتی که از کارشکنی های شرکت سابق فاش شود. در مورد قیمت دولت در طی سال ۱۳۳۰ آما دگی خود را به اعطای تخفیف تا میزان ۵۰ درصد از بهای رسمی اعلام نمود و اظهار کرد که با در نظر گرفتن اوضاع و احوال وقت و مخصوصاً با توجه به مخاطراتی که خریداران به مواجهه بودند تصمیم گرفته است معاملات شخصی و محدودی با ۵۰ درصد تخفیف انجام دهد تا بهای بین وسیله را برای منظور دولت این نیست که تخفیفی به این میزان در همه موارد داده شود. بلکه دولت نرخ هر صاع مله را بر طبق مقتضیات مورد تعیین خواهد کرد. همچنین دولت به دولت های ذیبالقا اطلاع داده بود که حاضر به انجام معاملات تها تری با نفت می باشد و در مقابل اعلان های مکرر شرکت سابق نیز که خریداران احتمالی نفت ایران را تهدید به تعقیب قانونی می کرد به وسیله سفارت های خود در همه کشورها به اطلاع عام رسانیده بود که اگر خریداران از راه مذاخله انگلیسی ها متضرر شوند ضرر آن ها را جبران خواهد کرد. در نتیجه دوم سال ۱۳۳۰ دولت بی دردی اطلاعاتی را در بیرونی و دولتی ها می خرید و نفت منتهی می کرد از جمله ۲۴ دیما د هشت صد و هشتاد و هفت شرکت ملی نفت اظهار نمود که تا آن تاریخ ۲۶۸ بقا از اروپا و آفریقا و آمریکا جنوبی و شمالی و آسیا رسیده و تحت مطالعه قرار گرفته بود. اما هیچ معا مله ای در سال ۱۳۳۰ صورت نگرفت و در آغاز سال ۱۳۳۱ دکتر مصدق از توفیق در فروش نفت اظهار عجز نمود. در چند مورد پیشینها ده ها دهگان دولت ها بودند ما نتواند افغانستان و مصر و هندو ترکیه و ولی در همه این موارد معا مله دولت انگلستان و شرکت سابق مانع انجام معا مله گردید. اما پیشینها ده ها می هم از طرف دولت های بعضی ممالک اروپای شرقی یعنی لیستان و چکسلواکی و مجارستان رسیده بود که در مورد آن ها تهدید انگلیسی ها تا شیری نداشت و پیشینها ده ها دهگان اظهار کرده بودند که وسیله حمل و نقل را خود فرا هم خواهد کرد. با این حال نسبت به این پیشینها ده ها دولت ایران دست بدست می کرد.

نواد روحانی
مصداق
ونهضت ملی ایران
در کشاکش چپ و راست
سال های بحرانی نفت

کرد. ضمناً شرکت خریدار اظهار کرد که چون به محض ورود کشتی مزبور به یک بندر ایتالیا می شرکت سابق علیه شرکت خریدار اقدام دعوی خواهد کرد لازم است دولت ایران از حیث تهیه مدارک دفاع و نظریات متورثی به شرکت مزبور کمک کند و شرکت ملی نفت به دستور دولت از همین قرار عمل نمود. در تاریخ ۲۶ بهمن کشتی میریلا وارد بندر ونیز شد و بلافاصله به درخواست شرکت سابق از طرف دادگاه توقیف گردید. روز ۲۰ اسفند دادگاه ونیز با این استدلال که معا مله بر طبق قوانین ایران صورت گرفته و قوانین منبرمخل به نظم عمومی ایتالیا یا منافعی با حقوق بین المللی نمی باشد و پرداخت غرامت هم در ضمن مواد آن سیش بینی شده است راهی به نفع شرکت خریدار در نمود و محموله را از توقیف خارج شد. شرکت سابق از این رای به دادگاه روم استینا داد. در وقتی نما بندگان شرکت سویرم دور برای دادگاه ونیز را به اطلاع دکتر مصدق رسانیدند نما رالیه با اظهار قایت موافقت نمود که تا مدت شش ماه موافقتی مورد معا مله با شرکت مزبور مشمول ۵۰ درصد تخفیف از قیمت رسمی شود. به این ترتیب شرکت سویرم به معا ملات خرید نفت از ایران اقدام داد و در او اسفند کشتی دیگری به نام Altira به ظرفیت ۱۱۰۰۰ تن به آبادان فرستاد. این کشتی با رگبیری نموده و در تاریخ ۲۲ فروردین ۱۳۳۲ وارد بندر لیسورنی شد و به اتفاقای شرکت سابق تحت نظردادگاه توقیف گردید. همچنین کشتی میریلا دوبار رگبیری کشتی آلتا یک سفر دیگر و با رگبیری دیگری به نام سا سویر به آبادان آمده و با رگبیری کرده و به مقصد بندر ایتالیا عزیمت نمود و شرکت سابق مثل معمول اقدام به توقیف این محموله ها می نمود ولی در مورد استیناف از راه دادگاه ونیز ونه در مورد محموله های دیگری توفیق نیافت.

در مورد معا ملاتی که با خریداران ایتالیا می صورت گرفت هر چند دادگاه های ایتالیا راهی به نفع شرکت سابق ما در بندرندولی دولت ایتالیا خود را ناچار می دید که با نظردولت انگلستان مخالفت نکنند و همین علت بود که برای ورود نفت ایران به ایتالیا پروانه مادر نمی کرد.

علاوه بر ایتالیا کشور دیگری نیز یعنی ژاپن مقدار نفت از ایران خریداری نمود. در بهمن ماه ۱۳۳۱ نما بندگان یک شرکت ژاپنی به نام ایدمیتسو (Idemitsu) به ایران آمده و به شرکت ملی نفت اظهار کردند که قصد دارند شش میلیون بشکه (در حدود ۹۰۰ هزار تن) نفت خریداری کنند. شرکت ایدمیتسو می خواست در مقابل نفت کالا تحویل دهد و با قیمت رایج به پول ژاپنی بپردازد ولی شرکت ملی نفت فقط حاضر به معا مله در مقابل پرداخت به دلار گردید. بالاخره ترتیب معا مله در مقابل پرداخت به دلار داده شد. اولین کشتی نفتکش ژاپنی موسوم به سبه نیشوما رو (Seyo Maru) به ظرفیت ۲۰ هزار تن در تاریخ ۲۱ فروردین ۱۳۳۲ وارد آبادان شد و بنزین و گاز زوئیل با رگبیری نموده عازم ژاپن گردید. در این مورد نیز شرکت سابق در تاریخ ۱۷ اردی بهشت دادخواستی به دادگاه توکیو تسلیم نمود و با این استدلال که چون دولت ایران در مقابل اموال ملی شده را نپرداخته است نفتی که فروخته است در حکم سوال مسروقه می باشد خواستار توقیف محموله کشتی نیشوما رو گردید. ولی جریان رسیدگی به مدارک خواهان که در روز ۱۹ اردی بهشت تشکیل شد معلوم نمود که دادگاه شکایت شرکت سابق را وارد نمی داند. در تاریخ ۶ خرداد ۱۳۳۲ دادگاه توکیو با استدلالی نظیر استدلال دادگاه ونیز و برخلاف شرکت سابق را رد کرد. ضمناً چون دادگاه درخواست توقیف محموله را تصدیق کرده و به قول شرکت خریدار را بربر خودداری از فروش محموله تا صدور رای اکتفا کرده بود کشتی نیشوما رو که روز ۱۹ اردی بهشت به بندر کاواساکی (توکیو) وارد شده بود بعد از تخلیه بار در روز ۲۴ اردی بهشت مجدداً عازم آبادان گردید و در تاریخ ۱۷ خرداد وارد آبادان شده برای دفعه دوم با رگبیری کرد. روز ۱۳ اردی بهشت جرایم توکیو سویر دادگاه دولت تصمیم گرفته است که از خرید نفت ایران جلوگیری کند. یعنی بعد از تمام سهمیه دلاری کدقلا به شرکت ایدمیتسو داده شده بود دیگر سهمیه ای به شرکت مزبور ندهد.

جمع فروش نفت خام و مواد نفتی به شرکت های ایتالیا می و ژاپنی در دوره حکومت دکتر مصدق شرح زیر

است:

کشتی روزماری	۶۰۰ تن
کشتی میریلا سفر	۱۵۰۰۰ تن
کشتی آلتا دوسر	۲۴۰۰۰ تن
کشتی سا سویر	۱۲۰۰۰ تن
کشتی نیشوما رو سفر	۵۴۰۰۰ تن
کشتی کومی مارو	۱۰۰۰۰ تن
کشتی سا کس	۵۰۰۰ تن

جمع ۱۱۸۶۰۰ تن

این بخش را با شرحی درباره اثر منفی سیاست وروش دولت آمریکا در کوشش های دولت ایران به منظور انجام معا ملات نفت با این می دهیم.

دولت آمریکا نه تنها خود را فروید خریدنعت از ایران نگردید بلکه مشتریان احتمالی آمریکا می را نیز عملاً از ورود در معا مله با ایران منع کرد. قسمتی از اعلامیه مورخ ۱۵ آذر ۱۳۳۱ وزارت امور خارجه آمریکا نسبت به مسئله خرید نفت از ایران را ذیل نقل می کنیم:

"به نظر وزارت امور خارجه آمریکا مسئله حمل و نقل و فروش مقدار حزی از نفت خام و تصفیه شده ایران در مقام معا بله با امکان حل اختلاف فعلی و تجدید جریان نفت ایران به مقادیر عمده حدان صم نسبت و با عت نمی بود که در مقابل توجیهی برای ایران نام من شود بلکه صورتی را که معا بله با عواطف نامی و اسکا لاتی که در حواهد اساسی به حل موضوع لطمه وارد خواهد ساخت. ما برای دولت آمریکا معتقد است که تا زمانی که تصمیم را حح داده و به این عزمین معا ملاتی با ایتالیا ایران انجام داده و به این سبب به نظر اسخا می و مو سبب ذیفع است که باید معا بله با نونی آن را در نظر بگیرند."

توضیح صریح و روشن موضوع در مقابل ای (۲) به قلم یکی از استادان حقوق دانشگاه اموری آمریکا (Jerrald Walden) آمده است که معا بله های ایران و نقل می کنیم:

"دولت آمریکا با انگلیسی ها همکاری کامل نمود. برای آنکه از صدور نفت ایران جلوگیری بود وزارت خارجه آمریکا کوشش را بکنه توجیهی به درخواست بلکه التماس سفیر آمریکا ایران را بر سر اینکه آمریکا انگلیسی ها را از ادامه معا بله نفت ایران منصرف کند نمود به طوری که گفته شده است دست کم در طول مدت یکسال و نیم بعد از ملی شدن نفت در ایران خریداران احتمالی نفت ایران را که بعضی شرکت های آمریکا می بین آنها بودند از معا مله با شرکت ملی نفت ایران منصرف کرد. بعداً نیز که این سیاست تغییر کرد عملی برای تشویق خریداران احتمالی نفت انجام نگردید و نونی دلالت نفت به کمیسیون تسلیحات مراجعه و موضوع خرید نفت ایران را مطرح کردند به آن ها جواب داده که دولت قصد خرید ندارد. دولت آمریکا به جان افتاد مانی دست زد که عملاً از تمام عوامل رقابت آزاد جلوگیری کردند و نگذاشت مسئله به این نحو حل شود که نفت ایران به بازار برسد و اگر نخواهیم بگوئیم که دولت در تحریم و در معا بله غیر قانونی نفت ایران از طرف شرکت های آمریکا می کوشد که رتل راه را با دخالت نمود دست کم با تصدیق کنیم که در برابر ایران عمل غیرس قانونی حتم می کرد."

- ۱ - قسمت عمده متدرجات این بخش اقتباس از کتاب تاریخ ملی شدن نفت تا ایف نگارنده است مقدمات ۲۹۶ تا ۴۱۱
- ۲ - Jerrald Walden: The International Petroleum Cartel in Iran Concepts of Public Law Symposium No: 11

بهرام و آرزو

خواستن بهرام دخت ماهیار گوهر فروش را

تقیه از صفحه ۷

با مدبر دست کرده به گن (= دست به بسته)
به بیس تنها و خورشید فن
بدو گفت : زها . ردا . بخردا
بزرگا . سترگا . گوا . موسدا
کسی کوهر داری و بسا
با بدگریدن حرا زخامشی
رنادانی آمد کنه کاریم
کمانم که دیوانه پنداریم
سرد کربحسی کنه
درسان (= درخسان) کسی روز و ماه مرا
چنین داد ما سخ که از سرد بست
هردمسندحیری نگیرد به دست ...
به مستی ندیدم ز تو بدسخوسی
همی رآرزو این سخن مستوی
سین بهرام بدو دختر ترا به می گساری دعوت می کند. شب دیگر را نیز بهرام در خانه ما هیار به سرمی برد و بسا و آرزو به عشرت می برد از د. دختر برای بهرام و پدر خوبش جنگ می زند و سرود می خواند. روز بعد بهرام دختر را به همراه جهل تن خدمتگار زینبا به سیستان خویش می فرستد.

حون شعرهای این داستان هم در حد آغای فصاحت و زیبایی بود. بیشتر داستان از زبان فردوسی نقل شد. استاد فقید شیخ الزمان فروزان فر این داستان را یکی از شاهکارهای فردوسی می شناسد و نامش را که حتی با اوست.

خروین معان نام یکی از آهنگ های موسیقی است.

بقیه از صفحه ۵

معاملات فضاحت بار

مخالف بود، اما مشاوران کاخ سفید می گویند که هرگز به صراحت به رئیس جمهور گفته نشده بود که شورای امنیت ملی با چه آثاری بازی می کند.

اما دولت ریگان در ایران با طرفهای مشکوک در پی هدفی شکی مشکوک ترس و کار پیدا کرد. هیچ دلیلی در دست نبود که نشان دهد آیت الله روح اله خمینی با دربارت کمک های آمریکا موافقت کرده است.

برای باز پس گرفتن گروگان ها از لبنان سبیل جنگ افزای های آمریکا به سوی تهران سرازیر شد، اما در اینجا رولاند ریگان بدترین رسم دولت کارتر را بکار گرفت.

گروگان گیران صدها غذا شت و جان تنگی چند را بر منافع جهانی آمریکا ترجیح داد. شیوه و آمیزه ای از سخن بردازی و ضعف و احساسات گرایی آبیکی و عامه پسند بود.

هرالد تریبون - ۱۱ نوامبر ۸۶

بندبازی اسرائیل

خبرگزاری فرانسه در گزارشی جامع به مناسبت اسرائیل و جمهوری اسلامی می نویسد: تحویل سلاح های آمریکا از طریق اسرائیل به رژیم جمهوری اسلامی ایران، ناگهان بوده از بندبازی سیاسی اسرائیل برداشت که از یک سو در حفظ حداقل روابط با جمهوری اسلامی دارد و از سوی دیگر به مفایدهای سیاسی نظیر شیعہ در جنوب لبنان می پردازد.

در بیت المقدس، می افزاید: اتحاد با ایران، همواره یکی از اصول تغییر سیاست اسرائیل است.

اما رسیدن انقلاب اسلامی به جنوب لبنان از سال ۱۳۶۱، و در چند هفته اخیر، ائتلاف بین فلسطینی ها و حزب الله در جنوب لبنان، اسرائیل را دچار رنگرانی ساخته است. در این میان، اسرائیل چنین حساب می کند که نیروی عراق در جنگ ارتش عراق را از قید جنگ با جمهوری اسلامی آزاد می کند و بدین ترتیب ارتش عراق که قوی ترین ارتش منطقه است، می تواند در مقابل اسرائیل قرار گیرد.

خبرگزاری فرانسه در پایان می نویسد: بدین ترتیب مسئولان دولت اسرائیل سیاستی بندها را نه تنها مختص حرم و احتیاط در پیش گرفته اند تا ببینند در آینده چه خواهد شد.

بقیه از صفحه ۳

شگردهای سیاسی

با تروریست ها راز زدند، ولی در کردار نه تنها با تروریست ها مذاکره کرده، بلکه معا مله های نیز انجام داده اند. ایالتی، آلمان و ژاپن و سوئیس و ترکیه که جای خود را دارند. اما اینان دست کم از این امتیاز برخوردارند که لایحه مبارزه آشتی ناپذیر با تروریسم نرده بودند.

حکومت ها کونا آمدن در برابر تروریسم را هرگز به عنوان نمره های منفی در کارنامه اعمال خود نمی گذارند، با ج دادن به تروریسم را به سکوت برگذار می کنند، مگر اینکه رسانه های به سببی برده از ما جبرا بردارند. اما در این معا مله هنگامی که از تروریست ها امتیازی، هر چند کوچک، می گیرند، تا سر حد حماه برداری پیش می روند.

آقای ژان برنارمون وزیر خارجه فرانسه چند هفته پیش گفته بود که یک شرط پرداخت مطالبات جمهوری اسلامی این است که همه گروگان های فرانسوی در لبنان آزاد شوند، اما وقتی فقط دو گروگان فرانسوی آزاد شدند، برخی مقام های این کشور چنان سرگردان گرفتند که گفتی وزیر خارجه اصلا چنان شرطی قائل نشده بود.

تا آنکه در این واقعا "در دناک است. هنوز مرکب رای دادگاه انگلیس درباره دست داشتن سوریه در کارهای تروریستی خشک نشده است، هنوز اسمعیل سمدای مقام های آمریکائی، فرانسوی و انگلیسی از پس ترفته است که اعلام داشتند لبی، جمهوری اسلامی و دولت تروریسم بین الملل را تشکیل می دهند.

تهدید کردند که اگر دمشق و تهران از حمایت تروریسم بین الملل دست برندارند، به همان سرنوشتی گرفتار خواهند شد که طرابلس و بیسن غازی گرفتار آمده بودند، اما به جای سکوت، بمب افکن ها ناگهان سروکلند: یک فرستاده ویژه دولت ایالات متحده در تهران سدا می شود.

آیا دمشق و تهران به راستی از حمایت تروریست ها دست بردارنده اند؟ هیچ نشانه ای وجود ندارد که چنین امری را تایید کند. به عکس، ثبوت و وقراشن نشان می دهد که آن دور زیم، این وسیله آسان گروکشی در مناسبات بین المللی را آسان از کف نخواهند داد. وسیله آن قدر آسان است که نه تنها آن دولت ها از آن دست بر نخواهند داشت، بلکه دولت های دیگری نیز برای دست یازیدن بسندان تسویح خواهند شد.

مگر ریودن یک یا چند شخص بی حفاظ و بی سلاح در آن شفته با زار و سیرت چه مشکلی دارد؟ تروریست ها هر وقت که لازم بدانند با زهم گروگان خواهند گرفت و هر وقت که مصلحت ببینند، یک یا چند تن از اسیران خود را آزاد خواهند ساخت. از روی تصادف نبود که دمشق، درست هنگامی برای آزادی دو گروگان فرانسوی با به میان گذاشت که جوامع اقتصادی اروپا می خواست به درخواست انگلیس اقدامی

درخواست اشتراک

بهای اشتراک: یک ساله ۲۴۰ فرانک فرانسه - شش ماهه ۱۲۰ فرانک فرانسه - دانشجویان نصف قیمت

اینجانب (نام و نام خانوادگی به فارسی و به حروف لاتین) نام خانوادگی:

Nom

نام: Prenom

آدرس: Adresse:

مایلیم نشریه قیام ایران را به مدت یک سال به مبلغ ... فرانک ... به حساب بانکی نشریه قیام ارسال می گردد.

تاریخ امضا:

شماره حساب پستی: QYAM, IRAN C.C.P No: 2400118/E PARIS

شماره حساب بانکی: QYAM IRAN Credit du Nord 78, Rue de la Tour 75116 Paris Compte No: 11624700200

توجه لازم

تعمیرات در متنهای اشتراک را به آدرس قیام ایران ارسال فرمائید. نامه های که به آدرس حساب پستی یا بانکی فرستاده شود، بدست ما نمی رسد.

علیه آن بعمل آورد. دو گروگان فرانسوی آزاد شدند، و در عوض جا به جا شدند. این برای مبارزه تروریسم نمونه خوبی نبود. تروریست ها، اگر از کردار کنونی غرب درسی آموخته باشند، همانا دستیازی به تروریسم بینتر است، مگر در بردها زیبایی پنهان باشد که هنوز ما از آن خبر نداریم.

تصحیح و پیوست

در مقاله "در دشمنی سنا ماهه ایران" صفحه اول، ستون دوم سطر ۵۱ قیام ایران، عبارت "ملوک وزیدگی" به اشتباه سکوت وزیدگی و درگنار آن معلوم - درگنار این معلول جاب شده است. ضمن بوزش از خوانندگان کسرا می خواهیم در این اغلاط جانی را اصلاح فرمایند.

نشانی پستی شاخه های

نهضت مقاومت ملی ایران

در کشورهای مختلف دنیا

N.A.M.I.R. Postfach 121007 8000 MUNCHEN 12 W. Germany

N.A.M.I.R. Postfach 523 1171 WIEN AUSTRIA

ROFBOX 57278 WASHINGTON, D.C. 20037 U.S.A

N.A.M.I.R. PO BOX 313 LONDON W 2.4 QX ENGLAND

PO BOX 130 1600 TULLINGE SWEDEN

TDS - MOES 117/118 MAKER CHAMBER (V) MARIMAN POINT BOMBAY 400021 INDIA

NEH2AT P.B. 246 2230 AE BRIELLE HOLLAND

A CH APARTADO CORREOS 30432 MADRID SPAEN

NAMIR P.B. 1002 STN. B. WILLODALE ONT M2K 2T6 CANADA

A.R. CASELLA POSTALE 601 00187 ROMA ITALIA

DR. H. SIASI # 6 CINZANO, COURT GAITHERSBURG, Md. 20878 (U.S.A.) M.F.N.I.

Postfach 100303 5000 KOLN 1

گروه کیسه گونی

سراسر یک گران از نجات آبا و اجداد، اختلاف میان طرفداران امام جمعه و حجت الاسلام فلاحی دادبار در اسرای این شهر چنان با لاکر فتنه در ما گذشت به اتفاق یک سبب در دادسرای نجف آباد منجر شد. مخالفان حجت الاسلام فلاحی در پایگانی دادسرای این شهر مجاور محل کار وی، بمبی کار گذاشتند که بر رنده های موجود در آتش کشید و خود فلاحی را مجروح ساخت.

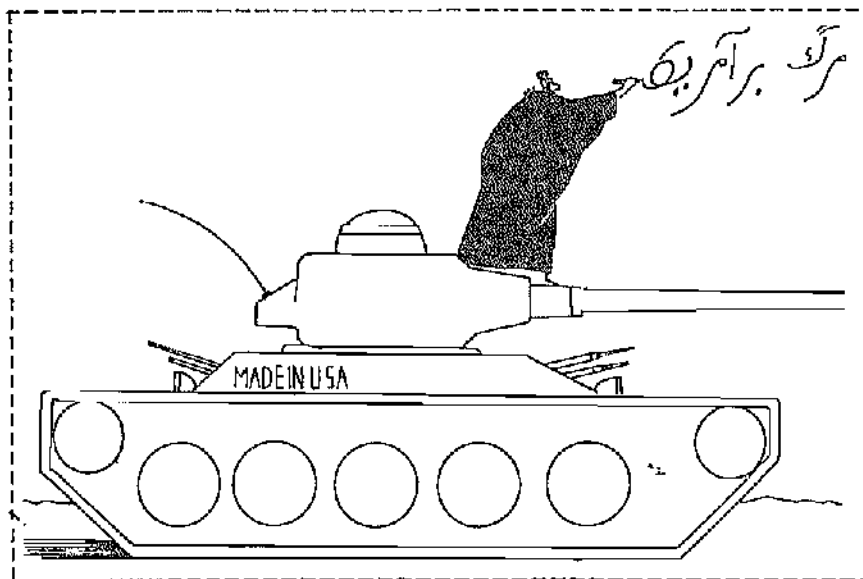
در نجف آباد، تا گروهی که مخالفان را می زدند، محاکمه می کنند و به قتل می رسانند بعنوان حزب "کیسه گونی" سرور با نداشت. سیوه کار این گروه است که فرد مخالف و مزاحم را سنان می کنند شبانه در کیسه می کنند و به بیابان های اطراف می برند و محاکمه می کنند.

بقیه از صفحه ۱

به برکت رقابت‌ها بی‌کسب سیاست‌های خارجی در روابطشان با جمهوری اسلامی وجود دارد، اکنون ما ایرانی‌ها نیز راجع به تماس‌های پنهانی رژیم آیت‌الله با آمریکا و فرانسه، یعنی شیطان بزرگ و شیطان کوچک، و همچنین تلاشی که این رژیم برای جلب اطمینان کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و کناره‌آمدن با آن‌ها آغاز کرده است، چیزهایی می‌دانیم. بنا بر این وقتی می‌بینیم تشکیلات نظامی و سیاسی آیت‌الله منتظری ناگهان مورد حمله قرار می‌گیرد و یا پسر آیت‌الله کاشانی را که نماینده مجلس اسلامی است با گروهی نظامی و غیرنظامی بازداشت می‌کنند، لااقل می‌توانیم بفهمیم قضا با اوجه قرار است. هر وقت دولتی در تنگنای مسکلات توانایی برای داخلی ترا گرفت و مجبور شد برای رهایی از تنگنا در سیاست خارجی خود تجدید نظر کند، الزاماً "با پد آن‌ها" مذاکره با این روابط تازه است از میان بردارد.

مرحوم قوام السلطنه وقتی برای مذاکره درباره مسائل ایران و شوروی، مخصوصاً بحران آذربایجان به مسکو سفر کرد متوجه شد برای کناره‌آمدن با روس‌ها باید بیست آن‌ها نشان بدهد شخص مقتدر در ایران است. چرا که روس‌ها می‌گفتند در ایران قدرت متمرکز وجود ندارد و حتی اگر دولت مایل به جلب همکاری شوروی باشد و قرار و مدارهایی درین زمینه بگذارد، مراکز دیگر قدرت که تحت نفوذ غربی‌ها قرار دارند مانع خواهند بود. قوام السلطنه در بازگشت از مسکو، سیدضیاءالدین و گروهی از رجال سیاسی آن دوره مانند علی دشتی و جمال‌احمدی را که به طرفداری از سیاست‌های غربی شهرت داشتند با زداشت و زندانی کرد تا اقتدار خود را به روس‌ها ثابت کند و بگوید اگر هم ما نمی‌توانیم در راه نزدیکی تهران و مسکو وجود داشته باشد من می‌توانم آن را از میان بردارم. جمهوری اسلامی برای چرخش به طرف غرب

انگار که ورنه بیستیم!



فعالیت داشتند، گروه‌های چریکی را در نقاط مختلف جهان بر ضد آمریکا از نظر تسلیحات و پول تغذیه می‌کردند. اثر انگشت این گروه در بسیاری از عملیات تروریستی و بلواها و تخریب‌ها، به ویژه در کشورهای اسلامی به چشم می‌رسد. آن‌ها حتی قدرت بی‌پایه پیدا کرده بودند که خود را مقصد سرمایه‌داری است‌های کهنه‌تهرانی اتخاذ می‌شدند و دست‌های خودشان کوس‌ل‌من‌الملکی می‌زدند.

در هم‌کوبیدن این گروه و گرفتن زندانی کردن سرکردگان مننشد، هدیه بیست از طرف رژیم آیت‌الله به آمریکا و علامتی به کشورهای معتدل عربی مبنی بر این که رژیم قمدار درونده "صدور انقلاب" را ببیند و کناره‌بگذارد.

با زداشت سید احمد کاشانی و تعدادی از رفقا و همفکران او نیز هدیه بیست به فرانسه. چون این دارو دست‌های زدمتی‌پیش در مجلس شورای اسلامی و محافل دیگر شیدا "علیه توافق‌های محرمانه بین جمهوری اسلامی و دولت فرانسه موضع‌گیری کرده بودند و سید احمد کاشانی، جندی‌قبل ضمن نطقی در مجلس اظهار داشت دولت، بدون سرور و مشغول محال خواهد بود. است که ما شدیم محال با آمریکا می‌توانیم در این عقد قرار داد الجزایر حقوق ملت ایران را برپا می‌دهد.

در حال، با این اقدامات رژیم آیت‌الله در آشتی را به روی آمریکا و فرانسه گشوده است و می‌کوشد به کشورهای معتدل عربی هم‌بگوید خرما از کرمی دم‌داشت. ما نه ما درکننده انقلابیم، نه اهل دعوا هستیم، نه با آمریکا اختلاف داریم، نه از فرانسه دلخوریم، نه شعاری دهیم، نه شاخوشانه می‌کشیم. ما همان سرسریده‌های قدیمیم که رشته‌های محبت را یک‌جای می‌بندیم و غفلت و جهالت، ساره کرده بودیم و خوشوقت می‌شویم اگر گریز بخورد و بهیم نزدیک تر شویم!

حال باید دید که در آن طرف هم‌کسی این توبه‌گری را با ورمی کند؟!

باز هم عانی در راه برقراری روابط ایجاد کنند، بی‌فشار.

رژیم آیت‌الله در مقابل بحران تهدید کننده قرار گرفته است که تشخیص می‌دهد اگر دستش هر چه زودتر به پول و اسلحه نرسد، امید ناچاری برای وجود نخواهد داشت. پول نقد قابل وصول برای آیت‌الله مطالبات ایران از فرانسه و آمریکا است و اسلحه کارساز، سلاح‌های ساخت ایران در کشور، بنا بر این، کناره‌آمدن با آمریکا و فرانسه این بار به صورت یک ضرورت حیاتی برای آیت‌الله و رژیم و مطرح است و درین راه، هر چه هر کس را که لازم باشد فدا می‌کند.

گروه منتظری، مانعی در طریق نزدیکی با آمریکا بشمار می‌آید. صرف نظر از اینکه شخص منتظری به اندازه‌خیمینی و رفسنجانی "ماکیا ولیست" بنظر نمی‌رسد تا بتواند به آسانی ازنده چپ‌بدهنده راست و ازنده راست به دنده چپ بفلند. عناصر مسلح و متعصبی که تحت حمایت و به نام هواداری از جنبش‌های رهایی‌بخش


و مخصوصاً سخت و سخت با آمریکا و فرانسه، ناگزیر بود قبل از هر چیز ایستادگی در ایران مرکز قدرتی و جسود دارد و خارجی‌ها می‌توانند به این مرکز قدرت اعتماد نکنند.

این اولین بار نیست که جمهوری اسلامی برای نزدیک شدن به آمریکا تلاش می‌کند. قبلاً "جدیدن بار از سوی جناحی که فعلاً" ابتکار عمل را در دست گرفته و تسلطی پیدا کرده است چه از طریق سیام‌های خصوصی و چه از طریق آلمان و ژاپن، سینه‌دانشی و همکاری به واشنگتن داده شده بود ولی در هر نوبت، به محض آنکه می‌رفت تماس‌ها بجا نمی‌برد گروه‌های دیگر که به سیاست‌های دیگری می‌پرداختند با موبلی درست می‌کردند و با حادثه‌سازی، کاسه و کوزه را بهم می‌ریختند. همین سبب شده است که ایست مرتبه رژیم آیت‌الله، در حالی که دست راست خود را برای فشردن دست آمریکا و فرانسه می‌برد با دست چپ‌گلوئی گروه‌هایی را که احتمال دارد بخوابند



گزارش کمیته‌ی تورینو

« کمیته‌ی شهری نهضت مقاومت ملی ایران در تورینو، واقع در ایالت لیا نیا، یگانگه عکس از جنگ جمهوری اسلامی با عراق به مدت ۲۰ روز در سپر لوگو برپا کرد که مورد استقبال اجزای شهری و انجمن‌های محلی قرار گرفت. به همین مناسبت از این کمیته دعوت به عمل آمده در آبانماه در جشن حزب سوسیالیست شرکت کنند و تقاضای برچسک را به نامایش بگذارد. به علاوه انجمن دبیرستان‌های استان تورینو نیز به مدت یک هفته از این مجموعه در نمایشگاه فرهنگ شرق استفاده خواهد کرد.

نشانی: 

QYAM IRAN
C. O. C. R.
17, bd. RASPAIL
75007 PARIS
FRANCE

دو ساعته رادیوئی هفتگی تنظیم شده که از دو هفته قبل به اهما مسئول شهری نهضت اجرا می‌شود. این برنامه‌ها روزهای جمعه و یکشنبه هر هفته از ساعت ۵/۳۰ تا ۶/۳۰ بعد از ظهر پخش می‌شود. « نمایشگاه‌های از فحاح جنگ و وقایع ایران، با استفاده از عکس و فیلم در تالار دانشکده‌ی طب است که هم، از سوی نهضت برگزار شد. « با معاون سردبیر و دبیر اول امور اجتماعی روزنامه‌ی واکنش شیوه‌ی ملاقا و درباری فروش اسلحه‌ی سوئدی به جمهوری اسلامی صحبت شد و قرار شد کمیته‌ی خصوصی از خبرنگاران روزنامه، برای تحقیق درباره‌ی چگونگی فروش یا قاچاق اسلحه به رژیم جمهوری اسلامی برای دستیابی به حقایق تشکیل شود. « همچنین از سوی نهضت ساعده‌ی سوئدی دبیر کمیته‌ی خارجی کا بسنده‌ی سوئد در باره‌ی امور بینا هندگی و انگلانی کسسه اخیراً " درباره‌ی ورود ایرانیان به سوئد به وجود آمده، ملاقات و مذاکره شده.

به علاوه بولتن "صدای ایران"، به زبان آلمانی و به جبه‌ی دکتر شایخ بوریختیا ربای خرنکار روزنامه‌ی دی ولت و همچنین نامه‌ی سرگشته‌ی دکتر بختیا ربه دبیرکل سازمان ملل متحد پخش شد. « در ارتباط با مسائل زنان ایران، روز شنبه ۹ اکتبر در جلسه‌ی گزارش‌سوی گروهی از زنان آلمانی ترتیب داده شده بود، عده‌ای از خانم‌های اعضای و هواداران نهضت شرکت کردند و درباری موقعیت و شرایط زنان ایران به بحث و گفتگو پرداختند و به استخوان‌فراوانی که به مسائل زنان در ایران مربوط است، پاسخ دادند. « برگزاری جشن مهرگان در روز یکشنبه ۱۹ اکتبر.

گزارش نهضت از سوئد

« طبق گزارش واحد شهری نهضت مقاومت ملی ایران در شهر گوتنبورگ، واقع در سوئد به کوسی تعدادی از اعضا و علاقمندان و با موافقت مقامات شهر، یک برنامه‌ی

گزارش واحد شهری مونیخ

گزارش فعالیت‌های واحد شهری نهضت مقاومت ملی ایران در مونیخ، در ماه‌های سپتامبر و اکتبر ۸۶، به شرح زیر است: « در پی سیاست کنترل هر چه بیشتر دولت آلمان نسبت به ورود پناهنده‌گان و به منظور پیشگیری از پناهنده‌گان ایرانی، واحد شهری نهضت مقاومت ملی ایران در مونیخ در روز شنبه ۲۷ سپتامبر اقدام به بخش‌آعلامیه‌ها بی در سطح شهر مونیخ کرد. در این اعلامیه، ضمن برشمردن حقایق رژیم حاکم بر ایران، دلایل فساد و پناهنده‌گی ایرانیان به آلمان تصریح گردیده است.

« به مناسبت هفتمین سال جنگ ایران و عراق، و اعزام کودکان و جوانان ایرانی به جبهه‌های جنگ و همچنین به علت وضع رقت‌بار زنان ایران، واحد شهری نهضت در مونیخ در تاریخ شنبه ۱۸ اکتبر در میدان اصلی شهر، درباری مشکلات ایرانیان و دلایل پناهنده‌گی آنان به خارج از کشور اعلامیه‌هایی به زبان آلمانی پخش کرد. در این روز، اعضا و هواداران نهضت در شهر مونیخ با توجه نظرات سیاسی نهضت و رهبران دکتر شایخ بختیار، درباره‌ی حقایق رژیم جمهوری اسلامی، به تفصیل با مراجعان آلمانی صحبت کردند.

ایران هرگز نخواهد آمد